



The History and Timing of the Fratarakain Persis: An Analytical Review

Fazlollah Boraghi¹ | Seyyed Saheb Barzin²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The purpose is to identify the political situation of the local rulers of Persis and their degree of independence in the Seleucid period, as well as their relationship with the Seleucids.

Method and Research Design: Library resources and some archeological data, especially the coins of the local rulers of Persis were investigated, analyzed, and described using historical method to answer the following questions: To what extent was Persis under the authority of the Seleucids? when did the Frataraka become independent and who was the first ruler that minted coins, and how was the sequence of subsequent rulers?

Findings and Conclusion: According to coins data the first Frataraka ruler minted coins at the time of Seleucus I. The result revealed that Ardaxšīr was the first Frataraka ruler of Persis and Vahbarz, Baydād, and Vādfradād were the subsequent Frataraka rulers, respectively.

Citation: Boraghi, F., & Barzin, S. S. (2022). A review of the history and timing of the rule of the Fraterkeh in Persia. *Ganjine-ye Asnad*, 32(4), 6-45 | doi: 10.30484/ganj.2022.2954

1. Assistant Professor, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran, (Corresponding Author)

Fboraghi@pnu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran

s.barzin@pnu.ac.ir

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«128»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier (DOI): 10.30484/ganj.2022.2954

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.4, Winter 2023 | pp: 6 - 45 (40) | Received: 21, Jan. 2022 | Accepted: 6, Mar. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

بازنگری در تاریخ و زمان بندی حکومت فرترکه‌ها در پارس

فضل الله براقی^۱ | سید صاحب برزین^۲

چکیده:

هدف: هدف این پژوهش شناخت وضعیت سیاسی شاهان محلی ایالت پارس و میزان استقلال آنها در زمان حکومت سلوکیان و نیز ارتباط آنان با حکومت سلوکیان است.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش با روش تاریخی و با شیوه توصیفی تحلیلی و با تکیه بر آثار پراکنده نوشتاری و بعضی از داده‌های باستان‌شناسی و خصوصاً سکه‌های شاهان محلی این دوره سعی دارد تا به دو سؤال پاسخ دهد: نخست ایالت پارس تا چه اندازه زیر سلطه حاکمیت سلوکیان قرار داشت؟ و دوم زمان استقلال این ایالت و نخستین فرترکه که اقدام به ضرب سکه نمود چه کسی بود و ترتیب و توالی شاهان بعدی چگونه بوده است؟

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: شواهد سکه‌شناسی نشان می‌دهد که نخستین فرترکه در دوره سلوکوس اول، اقدام به ضرب سکه کرده همچنین این شواهد، توالی فرترکه‌های پارس را تغییر داده و اردشیر را اولین فرترکه پارس معرفی می‌کند؛ بر همین اساس، فرترکه‌های پس از او به ترتیب وهوبرز، بگدات و وادفرداد یکم می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: پارس، فرترکه، سکه‌های پارس، سلوکیان، هخامنشیان.

استناد: براقی، فضل‌الله؛ برزین، سیدصاحب. (۱۴۰۱). بازنگری در تاریخ و زمان بندی حکومت فرترکه‌ها در پارس. *گنجینه اسناد*، ۳۲ (۴)، ۴۵-۶. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۵۴

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور
تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Fboraghi@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور
تهران، ایران

s.barzin@pnu.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۸

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۵۴

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۱ | صص: ۶-۴۵ (۴۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

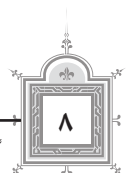
پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی، سرزمین‌های هخامنشیان، به دست فاتحان مقدونی افتاد. یکی از این ایالت‌ها پارس بود که خاستگاه هخامنشیان بود و از مهم‌ترین مراکز آیینی و سیاسی پارسیان به‌شمار می‌رفت. پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ پ.م، عرصه قدرت، شاهد مبارزات شدید میان جانشینان او بود. سرانجام سلوکوس اول (نیکاتور) (۳۱۲-۲۸۰ پ.م) با غلبه بر بعضی از مدعیان سلطنت، وارث تاج و تخت اسکندر در بخش وسیعی از سرزمین ایران از جمله در سرزمین پارس شد. احتمالاً گرفتاری جانشینان سلوکوس اول در غرب موجب شد تا به تدریج حکام محلی پارس موفق شوند دوباره قدرت را به دست بگیرند و در مقابل موج یونانی مآبی مقاومت کنند.

مورخان ابتدا از اوضاع سیاسی و فرهنگی پارس در دوران حاکمیت سلوکیان اطلاع زیادی نداشتند. یکی از منابعی که به مورخان در شناخت بیشتر دوران سلوکیان و موقعیت و قدرت‌گیری شاهان محلی در پارس (فرترکه‌ها) کمک کرد، سکه‌های پارس بودند که با پیداشدنشان اطلاعات خوبی از حضور داشتن و یا حضور نداشتن پادشاهان سلوکی در پارس، شاهان و حاکمان محلی پارس (فرترکه‌ها)، خط، دین، پوشش و اعتقادات این شاهان محلی به دست دادند و به شناخت عصری که آن را «هلنیستی» یا «یونانی مآبی» نامیده‌اند، کمک شایانی کردند. این سکه‌ها نشان می‌دهند در زمانی که فرهنگ هلنیستی، حکومت‌های پارسی، الیمایی و خاراسن را تحت نفوذ خود قرار داده بوده‌است، شاهان پارسی به دنبال احیای میراث هخامنشی بوده‌اند و با حفظ آن در انتقال این فرهنگ به دوران ساسانی کوشیده‌اند (Potts, 2007, pp 273-300).

تلاش بر آن است تا با استفاده از شیوه تحقیقات تاریخی و با تکیه بر آثار پراکنده نوشتاری و بعضی از داده‌های باستان‌شناسی و خصوصاً سکه‌های شاهان محلی این دوره، به موضوع پژوهش پردازیم. ابتدا به حاکمیت سلوکیان بر ایران پس از مرگ اسکندر اشاره‌ای می‌شود و سپس اوضاع پارس در آن دوره بررسی می‌شود.

۲. بیان موضوع

تاکنون مورخان و باستان‌شناسان تحقیقات متعدد ولی پراکنده‌ای، درباره شاهان محلی پارس انجام داده‌اند. هر چند که منابع یونانی، گزارش‌های مفصلی از لشکرکشی اسکندر به ایران و خصوصاً فتح سرزمین پارس ارائه کرده‌اند، ولی در رابطه با اوضاع سرزمین پارس پس از مرگ اسکندر و فرمانروایی سلوکیان بر پارس سکوت کرده‌اند و تنها در چند دهه اخیر با پیداشدن تعدادی سکه و انجام چند کاوش باستان‌شناسی بود که امکان شناخت بیشتر از اوضاع



سیاسی و تحولات فرهنگی سرزمین پارس در دوران حاکمیت سلوکیان بر ایران میسر شد. حفاری‌های باستان‌شناسی در چند سال اخیر در مناطقی از فارس از جمله شهرستان لامرد و مَهر در کرانه‌های خلیج فارس و نورآباد ممسنی، تنگ بلاغی [تنگه بلاغی] و منطقه باستانی یرج هم اطلاعات خوبی درباره توالی هنر هخامنشی در این دوران به دست داد. با وجود این تاکنون مطالعه مستقلی به صورت خاص درباره تاریخ و زمان بندی حکومت فترکه‌ها در پارس و اوضاع سیاسی این ایالت در دوران حاکمیت سلوکیان انجام نشده است.

به همین دلیل در این پژوهش سعی می‌شود تا تاریخ و زمان بندی حکومت فترکه‌ها در پارس با دقت بیشتری بازنگری شود و به این دو پرسش پاسخ داده شود که:

ایالت پارس تا چه اندازه زیر سلطه حاکمیت سلوکیان قرار داشت؟

زمان استقلال ایالت پارس کی بود و نخستین فترکه‌ای که سکه ضرب کرد چه کسی

بود و ترتیب شاهان بعدی چگونه بود؟

فرضیه‌هایی نیز که در این مقاله به دنبال اثبات آن‌ها هستیم برپایه همین پرسش‌ها

استوار است:

فرضیه نخست این که شاهان این ایالت استقلال حداکثری داشته‌اند.

فرضیه دوم تغییر در فرضیه پیشین (بر تخت نشینی بگدات به عنوان اولین فترکه

شناخته شده در پارس) است؛ زیرا آن گونه که شواهد نشان می‌دهند توالی شاهان در پارس

به گونه‌ای دیگر بوده است.

۳. پیشینه پژوهش

درباره تاریخ و زمان بندی حکومت فترکه‌ها در پارس، دانشمندان تحقیقات مفیدی را از روی سکه‌ها انجام داده‌اند که براساس آن درباره تاریخ شروع ضرب سکه‌های پارس به دست شاهان محلی، دو نظریه کلی وجود دارد: گروهی همچون «هرتسفلد» (۱۹۳۵)، «نیوئل» (۱۹۳۸)، «استروناخ» (۱۹۷۸)، «مورکهل» (۱۹۹۱) و «انگلز» (۲۰۱۳) معتقدند که این سکه‌ها در مرحله قدیمی‌تر و قبل از ریشه‌دوانیدن یونانی مآبی در ایران ضرب شده‌اند و گروهی دیگر همچون «آلرام» (۱۹۸۶) معتقدند که ضرب سکه‌ها بدون انقطاع، از زمان «بغداد» (اردشیر اول) تا پایان حکومت اردشیر چهارم، و بابک و شاپور ساسانی ادامه پیدا کرده است. به بیان دیگر ضرب سکه‌های پارس از اواسط قرن دوم قبل از میلاد شروع شده است. عده‌ای همچون «دمورگان» (۱۹۲۳)، «ویسهوفر» (۱۹۹۴ و ۲۰۱۰) آخرین دهه‌ها از سده سوم پیش از میلاد یعنی حدود ۲۲۰ تا ۲۱۰ پ.م را پیشنهاد داده‌اند و کسانی همچون «کالیری» (۱۹۹۸)، «هرنیک» و «اُورلت» (۲۰۰۸) از نخستین دهه تا میانه سده دوم یعنی حدود ۱۹۰ تا ۱۴۰ پ.م را مدنظر دارند.



هیل (۱۹۲۲)، آلرام (۱۹۸۶)، سلوود (۲۰۱۱)، هور (۲۰۰۸) و ... هم‌چنین توانسته‌اند با مطالعه و بررسی سکه‌های به‌دست‌آمده از شاهان محلی پارس، تا حدود زیادی شاهان این دوران و توالی آن‌ها را شناسایی کنند. هم‌چنین «مری بویس» (۱۹۹۱) موفق شد تحقیقاتی دربارهٔ اوضاع دینی سرزمین پارس انجام دهد. «ویسهوفر» (۱۹۹۴، ۲۰۱۰)، «آلتهایم» (۱۹۷۰) و ... دربارهٔ تاریخ سیاسی و «پاتس» (۲۰۰۷)، «هرنیک» (۲۰۰۸)، و ... دربارهٔ نمادشناسی سکه‌های این دوران تحقیق کرده‌اند.

۴. ضرورت پژوهش

گرچه نگاه و نگرش باستان‌شناسان در دهه‌های اخیر دربارهٔ شاهان محلی پارس (فرترکه‌ها) در دورهٔ سلوکیان زیاد است، ولی به‌دلیل نبود مدارک و مستندات، توجه به حکومت‌های محلی این دوره، ناچیز است. در این تألیفات که به‌صورت کتاب، مقاله و رساله منتشر شده‌اند، مطالب و نظرات دربارهٔ موضوع فرترکه‌ها متفاوت است.

پژوهش سعی دارد با بررسی سکه‌های کشف‌شده از حکومت‌های محلی آن دوره و نظریه‌های متقدم و متأخر دانشمندان و باستان‌شناسان در این زمینه، زمان‌بندی حکومت فرترکه‌ها را بازنگری کند و بخشی از اعتقادات، خطوط، دین، حضورداشتن و یا حضورنداشتن حاکمان سلوکی در این برهه‌ها در پارس را فراروی محققان قرار دهد.

۵. اسکندر و جانشینان او

پس از قتل داریوش سوم توسط «بسوس»، ساتراپ بلخ، تعدادی از عالی‌رتبه‌ترین سرداران داریوش به اسکندر پیوستند. اسکندر که اکنون نقش پررنگ انتقام‌گیرندهٔ خون داریوش را بازی می‌کرد، با سخاوتمندی، این نجبای ایرانی را پذیرا شد (بویس و گرنر، ۱۳۷۵، ص ۴۰). این نخستین اقدام اسکندر برای مشروعیت‌بخشی به جانشینی شاهان هخامنشی بود. او دستور داد تا جسد داریوش را به مادرش «سی‌سی گامبریس» تحویل دهند و با تمام احترامات، در نزدیکی تخت جمشید به خاک بسپارند (Arrian, 1949, pp 1, 3-22; Diodorus of Siculus, 1963, pp 3, 17-73; Plutarch, 1971, pp 3-43). هم‌چنین برادر داریوش، «اکسیاترس» را که به او ملحق شده بود، در حلقهٔ ملتزمان شخصی‌اش وارد کرد و ادارهٔ پارس را به فردی بومی به‌نام «فراسائورتس» سپرد (Arrian, 1949, pp 3, 11-18). در رویدادی دیگر، اسکندر و نجبای مقدونی با زنان اشراف ایرانی ازدواج کردند و در مجلسی که در شوش برپا شده بود خطبهٔ عقد هشتاد عروس و داماد خوانده شد (Arrian, 1949, pp 4, 4-7; Diodorus of Siculus, 1963, pp 1, 17, 67-107; Plutarch, 1971, pp 3, 70). اسکندر کوشید تا با ازدواج با



شاه‌دخت‌های ایرانی «استاتیرا» و «پریساتیس» احترام و اعتبار بیشتری نزد پارسیان کسب کند (ویسهوفر، ۱۳۸۸، صص ۲۳-۲۵). گفته می‌شود در همین ایام، ساتراپ جدید پارس به نام «ارکینس» به اتهام اعدام افراد زیادی از ایرانیان و بی‌حرمتی به پرستشگاه‌ها و تاراج آرامگاه‌های پادشاهان هخامنشی خصوصاً کوروش، اعدام شد (Quintus Curtius, 1962, pp 10, 137). پس از آن اسکندر برای دلجویی از پارسیان، «پیوکستاس» یونانی را که در نزد پارسیان از احترام فراوانی برخوردار بود، به عنوان ساتراپ پارس انتخاب کرد؛ فردی که به دلیل مقبولیت نزد ایرانیان توانست در سال بعد بیست هزار نیزه‌ور، کمان‌دار و فلاخن‌انداز پارس را در اختیار شاه مقدونی بگذارد. مشابه این امر را دیگر چه پس از «پیوکستاس» و چه در زمان سلوکیان و اشکانیان مشاهده نمی‌کنیم که پارسیان آگاهانه سپاهی تا این اندازه قدرتمند را در خدمت بیگانه‌ای وارد میدان کنند (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ پ.م نبرد بر سر جانشینی او در میان سردارانش آغاز شد. پارس در این زمان، هم‌چنان در دست «پیوکستاس» یونانی باقی ماند. «دیودور» می‌نویسد: در سال ۳۱۶ پ.م سرداران اسکندر در تخت جمشید، جلسه تشکیل دادند تا ساتراپ‌های شاهنشاهی هخامنشی را بین خود تقسیم کنند (Diodorus of Siculus, 1963, pp 17, 70-73)؛ (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ص ۲۸۲). در این مجلس، «پیوکستاس» که در گردهمایی تقسیم امپراتوری در بابل (۳۲۳ پ.م) در مقام خود باقی مانده بود، توسط «آنتیگونوس» از فرمانداری پارس خلع شد. دلیل این امر را می‌توان ترس «آنتیگونوس» از قدرت روزافزون «پیوکستاس» بیان کرد؛ زیرا او در نبرد علیه «پیتون» توانسته بود بیشترین نیرو را وارد میدان کند و باعث پیروزی قوای مشترک شود. «پیوکستاس»، پارسیان را دوباره بازسازی کرده بود و دسته جوانانشان را دوباره به سپاه سلوکیان ملحق کرده بود (Altheim and Stiehl, 1970, pp 564-583; Bevan, 1902, p42). در این بین شخصی «تسپوس»^۱ نام (چیش پیش) نام -که در آن زمان رهبر اشراف ملی‌گرا در پارس بود- با این امر مخالفت کرد و اعلام داشت که پارسیان شهرت مقدونی دیگری را نخواهند پذیرفت. این امر اگرچه به قیمت جان او تمام شد، ولی برای نخستین بار اعتراض مستقیم پارسیان و ایستادگی شان در مقابل مقدونیان را نمایان کرد. شخصی به نام «اکسیلیپودوروس»^۲ جانشین «پیوکستاس» شد؛ ولی او هم مدت زیادی در سمتش باقی نماند و در سال ۳۱۲ پ.م، «اواگرس» جای او را گرفت. سرانجام، پیروزی سلوکوس اول (۳۱۲-۲۸۰ پ.م) بر نیروهای «نیکاتور» در ماد و کشته شدن «اواگرس» در نبرد، سلوکوس را فرمانروای بلامنازع پارس کرد (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

1. Thespius
2. Asklepiodoros



۶. شاهان پارس در دوره سلوکیان

قلمرو امپراتوری سلوکی در زمان «سلوکوس اول» (۳۱۲-۲۸۰ پ.م)، گسترش یافت. «سلوکوس» علاوه بر تصرف پارس و ماد، سرزمین بابل را در سال ۳۱۲ پ.م تصرف کرد و خیلی زود بخش‌های دیگری از ایران و سپس سوریه و بین‌النهرین (۳۰۱ پ.م) و کیلیکیه (۲۹۶ پ.م) را هم به آن افزود. او پس از جنگ «کورپدیون» (۲۸۱ پ.م) فرمانروای آسیای صغیر به‌استثنای «پونتوس»، «بیتی‌نیه» و بعضی از شهرهای یونانی شد؛ ولی در نخستین ایام حکومتش، هند را از دست داد (روستوفتروف، ۱۳۸۰، ص ۳۷). در هر حال، پس از مرگ «اواگرس»، پارس تحت سلطه سلوکوس درآمد و نیروهای پارسی «اواگرس» به سلوکوس پیوستند. کشف دینه کوچکی از چهاردرآخمی‌های سلوکوس اول در کنار چند سکه از شاهان محلی، نشان از حضور سلوکوس در پارس می‌دهد؛ هر چند پس از سلوکوس، نشانی از حضور مستقیم سلوکیان در پارس نیست. با توجه به شناسایی نشدن سکه جدیدی از سلوکیان در پارس، به نظر می‌رسد که پس از او جانشینانش موفق نشده‌اند موقعیت خود را در این ایالت تقویت و سکه ضرب کنند. شاید وسعت قلمرو وسیع سلوکیان در این دوره، باعث شده باشد که جانشینان سلوکوس، همواره در جنگ‌های پی‌درپی در شرق و غرب که در واقع راه‌های بازرگانی از آنجاها می‌گذشت، درگیر شوند و برای پرداختن به سرزمین پارس که خارج از حوزه جاده بازرگانی بود، فرصتی نداشته باشند. برای نمونه آنتیوخوس اول (۲۸۱-۲۶۱ پ.م) در بیست سالی که به‌تنهایی سلطنت کرد، آنچنان در جنگ در آسیای صغیر درگیر بود که حتی یک‌بار هم به ایران مراجعت نکرد (بویس و گریر، ۱۳۷۵، ص ۳۵). شاید همین گرفتاری سلوکیان در شرق و غرب باعث شد تا در پارس، حکام محلی موفق شوند که به تدریج قدرت را به‌دست بگیرند و در مقابل موج یونانی‌مآبی مقاومت کنند. هر چند وجود معبد بزرگ آناهیتا در سرزمین پارس و گسترش اندیشه زرتشتی‌گری در این سرزمین در دوره اشکانیان، و ظهور ساسانیان از پارس همگی از حضور اشراف ایرانی و گسترش موج ایرانی‌گری در این سرزمین پس از سقوط هخامنشیان نشان داشت، ولی به‌دلیل نبود شواهد کافی، مورخان اطلاع زیادی از اوضاع سیاسی و فرهنگی پارس در دوران حاکمیت سلوکیان نداشته‌اند. با پیداشدن تعدادی سکه از شاهان محلی پارس، دوره جدیدی از مطالعه درباره این سرزمین در سال‌های اخیر آغاز شده‌است که نشانگر حاکمیت سلسله‌های محلی ایرانی در پارس طی حاکمیت سلوکیان بر ایران پس از سلوکوس و در دوره اشکانیان است. طبق اسناد به‌دست‌آمده از پارس، خصوصاً داده‌های باستان‌شناسی و سکه‌های یافت‌شده، سه سلسله از شاهان محلی در سه دوره متوالی بر پارس حکومت می‌کرده‌اند. نخست شاهانی که هم‌زمان با دوره سلوکی



هستند و عنوان Frataraka (فرترکه) به معنی «رهبر، پیشرو، فرماندار» را دارند. گروه دوم شامل شاهانی می‌شوند که به احتمال زیاد در زمان سلوکیان می‌زیسته‌اند، ولی عنوان MLK (شاه) را دارند و سرانجام گروه سوم که همگی در دوره اشکانیان حکومت می‌کرده‌اند و لقب MLK را دارا هستند.

۷. فرترکه‌ها

فرترکه از واژه پارسی باستان Fratara به معنای «رهبر و پیشرو» گرفته شده است. هم‌چنین عده‌ای آن را به شکل فرتدار (Frāradāra) نوشته‌اند و به «پرستار آتش» ترجمه کرده‌اند (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ص ۲۸۲). عده‌ای هم آن را به صورت فرتیکرا (Fertikarā) ذکر کرده‌اند (گوتشمید، ۱۳۷۳، ص ۲۳۵) و گروهی نیز فراتاکارا (Frātākārā) به معنی «آتش‌ساز» می‌دانند (مشکور، ۱۳۷۴، ص ۲۰۰). «ایتو» با مطالعه پایپروس‌های مربوط به دوره هخامنشی که در ناحیه «الفانتین» مصر به دست آمده بود، این لقب را معادل «فرمانده» یا «فرماندار» و یا «فرمانده دژ» دانست (Ito, 1976, pp 47-66). «ناستر» با تحلیل دو واژه فرتکر (Frataraka) و فرتدار (Fratadāra) که اولی به عنوان کسی که آتش می‌افروزد و دومی کسی که از آتش نگهداری یا آن را حمل می‌کند و مقایسه آن با فرترکه (Frataraka) در پایپروس‌های «الفانتین» مصر، عنوان «صاحب منصب» یا «فرمانده دژ» را مناسب‌تر می‌داند تا عنوان‌های به شدت مذهبی را (Naster, 1968, pp 14-80). در این پایپروس‌ها فرمانده (byry, birtā) دژ (Yēb) الفانتین، Prtrk=Frataraka نامیده می‌شود که از نظر ریشه‌شناسی، کلمه‌ای یونانی است و پسوند معمولی ka- دارد که به (مسئول، فرمانده) قابل ترجمه است. «هیئتس» و «شهبازی» عنوان می‌کنند که در زمان هخامنشیان، این لقب برای صاحب منصبان هخامنشی که زیردست ساتراپ بوده‌اند ولی قدرت زیادی داشته‌اند به کار می‌رفته است (Hinz, 1979, p112؛ شهبازی، ۱۳۸۰، صص ۳۰-۳۴).

به نظر می‌رسد این حکام که از خاندان‌های بانفوذ زمان هخامنشیان بودند موفق شدند که در روزگار سلوکیان، حکومت پارس را در دست گیرند (بویس و گرنر، ۱۳۷۵، ص ۱۳۴). تاریخ این حرکت، چندان قطعی نیست؛ ولی می‌تواند در دوره حکومت آنتیوخوس اول (۲۸۰-۲۶۱ پ.م) بوده باشد؛ چراکه نخستین سلوکیان عمدتاً نگران امنیت جاده‌های تجاری به بلخ و آسیای دور از مسیر سرزمین ماد بودند و به آنچه در پارس می‌گذشت کمتر توجه داشتند (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸). سکه‌هایی با قدمت ۲۲۰ پ.م که به سلوکوس تعلق دارند و به احتمال قوی در تخت جمشید یا پاسارگاد ضرب شده‌اند، نشان‌دهنده سلطه مستقیم سلوکیان حداقل تا ۲۸۰ پ.م هستند (Potts, 2004, p354).



۸. سکه‌های شاهان پارس در دوره سلوکیان

در مجموع به نظر می‌رسد در زمان حاکمیت سلوکیان، چندین تن با نام‌های پارسی بر پارس حکومت می‌کرده‌اند که عنوان فترکه داشته‌اند. پیش‌تر ترتیب این حاکمان را این‌گونه می‌دانستند: ۱- بیداد (Baydād/bgdt)؛ ۲- اردشیر اول (Ardaxštr/rthštry I)؛ ۳- وهوبرز (Oborzos/ahburz)؛ ۴- وادفردات اول (Autophradates/wtprdt/vādfradād I). پیش‌از این اکثر پژوهش‌گران، «وهوبرز» را جانشین «بغداد» عنوان می‌کردند، ولی «آلرام» پیشنهاد داد که اردشیر اول، جانشین «وهوبرز» بوده‌است (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۸۰). این امر از واقعیتی استنتاج می‌شود که مهر شناسایی در قیاس با رویه (سبک) نوع Ia^۱ اردشیر و Ia وهوبرز مناسب است و میزان استفاده از علامت‌ها و نشان‌های خاص نیز به‌تنهایی بر این توالی دلالت دارد. روی سکه اردشیر اول، او را با تیاری (تاج) به‌جلو کشیده‌شده، یعنی همان سرپوش یکپارچه از جنس نمد و از پیشانی بیرون‌زده با حفاظ گردن و گونه‌ها نشان می‌دهد؛ در حالی که اردشیر در پشت سکه، مشابه سکه‌های سری دوم بغداد، در برابر سازه‌ای [معبدگونه] نمایانده شده‌است (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۸۱). «هوور» اعتقاد دارد که ممکن است «بغداد»، اولین شاه پارس نباشد که از او سکه در دست داریم. او به این نتیجه رسیده که احتمالاً اولین فترکه پارس، «اردشیر» بوده‌است که سکه‌های خود را روی سکه‌های حاکمان سلوکی ضرب کرده‌است و حاکمان پس از اردشیر را به ترتیب «وهوبرز» و «بغداد» می‌داند (Hoover, 2008, pp 209-230). «سرخوش کرتیس» احتمال می‌دهد که «وهوبرز» و «بغداد»، شاهان هم‌زمان و رقیب بوده‌اند که حتی در مرحله‌ای بر روی سکه‌های یکدیگر سکه ضرب کرده‌اند (Sarkhosh Curtis, 2010, pp 379-396). گروه دوم از این حکام محلی، احتمالاً پس از شکست «آنتیوخوس سوم» در «مغنیسیا» (۱۹۰ پ.م)، ضرب سکه را شروع کرده‌اند. این حکام، احتمالاً به دلیل بسط قدرت و قلمروشان در این دوره، لقب MLK را که هُزوارش^۲ واژه آرامی «شاه» است برای خود گزیده‌اند؛ ولی بر روی سکه‌هایشان هم‌چنان به سبک چهار فترکه پیشین، در مقابل بنایی محراب‌گونه (؟) ایستاده‌اند. این شاهان عبارت‌اند از: ۱- شکندات (šyknđt)؛ ۲- وادفرداد دوم (Wtprdt MLK)؛ ۳- داریوش اول (d>ryw MLK) (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۹۴). «یوستی» برای شاهان این دوره، چهار تن را پیشنهاد می‌کند: ۱- منواز (Manawaz)؛ ۲- تیردای (Tirdāi)؛ ۳- تیرداد (T...tā)؛ ۴- زاتاردات (Zatārdāt) (یوستی، ۱۳۸۲، ص ۱۵). به احتمال زیاد، «زاتاردات» که «یوستی» از او نام می‌برد، همان «وادفرداد دوم» باشد. دوره این شاهان، احتمالاً تا زمان پیروزی «مهرداد اول» (۱۷۴-۱۳۶ پ.م) بر «دمتریوس دوم» (۱۴۵-۱۳۹ پ.م) در سال ۱۳۹ پ.م که با نیروهای کمکی از «الیمائیس» و «پارس» انجام شد، به طول می‌انجامد. پارس از این زمان

۱. شماره سکه‌ها براساس نوع آن‌ها
۲. هُزوارش یا آزرورش در نوشته‌های پهلوی به واژه‌ها یا بخش‌هایی از یک واژه گفته می‌شد که به‌زبان آرامی و به خط پهلوی نوشته می‌شد، ولی هنگام خواندن، برابر پارسی میانه آن‌ها تلفظ می‌شد.



به بعد، به احتمال فراوان، تحت نفوذ و سلطه پارتیان قرار می‌گیرد که البته می‌تواند استقلال خود را در این دوره هم همچنان حفظ کند و به مرکزی سیاسی و مذهبی برای قیام علیه حاکمیت اشکانیان و در نهایت تشکیل شاهنشاهی ساسانیان به مرکزیت پارس بیانجامد.

همان‌گونه که اشاره شد، به نظر می‌رسد در طول فرمانروایی سلوکیان، سرزمین پارس به عنوان خاستگاه و مرکز سیاسی و فرهنگی امپراتوری هخامنشیان توانست تا حدود زیادی استقلال خود را حفظ کند. ضرب سکه توسط حاکمان محلی می‌تواند یکی از دلایل استقلال حاکمان پارس بوده باشد. موضوع مهم درباره سکه‌های پارس، تاریخ شروع ضرب آنهاست که ذهن دانشمندان زیادی را به خود مشغول کرده است. دو نظریه کلی برای تاریخ شروع ضرب سکه‌های پارس وجود دارد. یکی از آنها تاریخ متقدم نام دارد و از حدود سال ۲۵۰ قبل از میلاد آغاز می‌شود و دیگری تاریخ متأخر است که از حدود سال ۱۴۰ قبل از میلاد آغاز می‌شود. نظریه تاریخ متقدم به دلیل نبودن هیچ‌گونه نوشته یونانی بر روی سکه‌های پارس، برخلاف نمونه‌های «الیمایی» یا «خاراکن»، بر این است که ضرب این‌گونه سکه‌ها در مرحله قدیمی‌تر و قبل از ریشه‌دواندن یونانی مآبی در ایران آغاز شده است (رضاخانی، ۱۳۹۱، صص ۲۹-۳۲). این نظریه‌ای بود که «هیل» (۱۹۲۲) در کتابش به آن پرداخته است و از طرف دانشمندانی مانند «هرتسفلد» (۱۹۳۵)، «نیوئل» (۱۹۳۸)، «استروناخ» (۱۹۷۸)، «مورکهل» (۱۹۹۱)، «کُخ» (۱۹۸۸)، «هور» (۲۰۰۸)، «دیتریش کلوزه» و «ویلهم موزلر» (۲۰۰۸)، «سرخوش کرتیس» (۲۰۱۰) و «دیوید انگلز» (۲۰۱۳) نیز حمایت شده است. نظریه تاریخ متأخر که از طرف «آلرام» در سال ۱۹۸۶ ارائه شد، بر این مبناست که هیچ‌گونه انقطاعی در ضرب سکه‌های پارس دیده نمی‌شود و این سکه‌ها از زمان شروع (بغداد یا اردشیر اول) تا پایان، یعنی حکومت اردشیر چهارم و بابک و شاپور ساسانی، همه بخشی از یک مجموعه پیوسته هستند (رضاخانی، ۱۳۹۱، ص ۳۱).

«آلرام» با این استدلال که اگر تاریخ متقدم را با موضوع پیوستگی نقش و سبک سکه‌ها منطبق کنیم، نمی‌توانیم برای مدتی (حدود ۵۰۰ سال) یعنی از ۲۵۰ قبل از میلاد تا حدود ۲۱۰ بعد از میلاد به قدر کافی سکه بیابیم، پیشنهاد می‌کند که مانند سکه‌های «الیمایی» و «خاراکن»، ضرب سکه‌های پارس از اواسط قرن دوم قبل از میلاد شروع شده است (Alram, 1986). در این بین عده‌ای چون «دمورگان» (۱۹۲۳) و «ویسهوفر» (۱۹۹۴، ۲۰۱۰) آخرین دهه‌ها از سده سوم یعنی حدود ۲۲۰ تا ۲۱۰ پ.م را پیشنهاد داده‌اند و کسانی چون «آلرام» (۱۹۸۶)، (Alram and Gyselen, 2003)، «کالیری» (۱۹۹۸) و «هرنیک و اُورلت» (۲۰۰۸) از نخستین دهه تا میانه سده دوم یعنی حدود ۱۹۰ تا ۱۴۰ پ.م را مدنظر دارند.

الف. اردشیر

با وجود پژوهش‌های پیشین و نظریه‌ای که «بگدات» را نخستین فرترکه می‌دانست، «انگلز» نشان داد که نخستین سکه یافت شده که به احتمال فراوان در اواخر دوران «سلوکوس اول» و یا اوایل سلطنت «آنتیوخوس اول» ضرب شده‌است، به «اردشیر» تعلق دارد (En-gels, 2013, p37). نزدیکی سکه‌های او با سکه‌های «بگدات»، «آلرام» را بر این داشت تا عنوان کند که این دو شاه، بر سر قدرت در رقابت بوده‌اند و سکه‌های این دو، به‌طور هم‌زمان در بین مردم پخش شده‌است. در سکه‌های «اردشیر»، او با تیاری نمدی یکپارچه که از پیشانی جلوزده‌است نمایان شده‌است (ویسهوفر، ۱۳۸۸: ص ۸۰). پشت این سکه، فرمانروا را نشان می‌دهد که همچون سکه‌های «بگدات» درمقابل بنایی ایستاده‌است. نکته جالب در سکه‌های اردشیر، کلمه *br prs* است که برای نخستین بار بر روی سکه‌های او پدیدار می‌شود.^۱ نام پرسپولیس در اواسط سده پنجم پیش از میلاد و در نوشته‌های آرامی به‌صورت *prs-byrt* آمده‌است. می‌دانیم که پرسپولیس نامی است یونانی - به معنی «شهر پارسیان»، و در شکل کهن تر آن، به‌صورت آمده‌است که «به دژ پارسیان» ترجمه شده‌است و با *prs-byrt* آرامی تطبیق می‌کند (Altheim and Stiehl, 1970, pp 504-583). در هر حال، استفاده از این واژه که احتمالاً به پایتخت کهن پارسیان در پارس و دوران عظمت گذشته پارسیان اشاره دارد، به‌خوبی می‌تواند زنده‌بودن احساسات ملی‌گرایی و قدرت فرترکه‌ها در پارس این دوره را نشان دهد که احتمالاً با تکیه بر ملی‌گرایی، توانسته‌اند با زنده‌نگه‌داشتن خاطرات گذشته، بر سرزمین پارس فرمانروایی کنند.

۱. درباره این واژه نظریات مختلفی وجود دارد، عده‌ای آن را برابر با «پسر پارس» می‌دانند (Itô, 1976, pp 53-54; Wieshöfer, 1994, 109, not.61; Engels, 2013, pp 38-39). جایی «پسر فراد» آورده شده‌است (Leu Bank AG). (1987, p71; Gholami, 2020, p137) و در نهایت بویس و گرنر به‌طور سنتی خوانش «فرترکه پارس» را قبول دارند (Boyce & Grenet, 1991, Vol. 3, p113).



تصویر ۱

سکه اردشیر
Ref: <https://CoinArchives.com/kings of Persis>

ب. وهوبرز

سکه‌های بعدی به «اُبرزوس» (Oborzos) تعلق دارد که احتمالاً شکل یونانی نام کهن «وهوبرز» (Vahobarz) است که به معنی «نیک‌بالا، خوش‌اندام» است (شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۳۱). بر روی سکه، صورت «وهوبرز» با تیاری آراسته به دیهیم جلوزده نمایان است و در پشت

سکه، او در مقابل همان سازه پیشین با درفش تصویر شده است. «غلامی» به خوبی نشان داده است که «وهوبرز» تعداد زیادی از سکه‌های خود را بر روی سکه‌های «اردشیر» ضرب کرده است و به این ترتیب او را جانشین «وهوبرز» می‌داند (Gholami, 2020, p146). این شاه احتمالاً باید همان «برزوس» باشد که «پلیانوس» از کشته شدن سه هزار یونانی به دست او به انتقام کشته شدن سه هزار پارسی سخن می‌گوید. او نقل می‌کند: «سیئلس» در اندیشه کشتن سه هزار پارسی‌ای بود که سر به شورش برداشته بودند و وانمود کرد که نامه ناخوشایند تهدیدآمیزی از سلوکوس دریافت کرده است. او با اعلام اینکه در یاری به شاه باید پیش دستی کنند، آن‌ها را در دهکده‌ای به نام «راندا» گردهم آورد؛ ولی با سواران و نیروهایی که از قبل تجهیز کرده بود، همه سه هزار پارسی را تا نفر آخر از دم تیغ گذراند (Pliny, 1961, V. II, p39). او در ادامه و در بند بعدی از اقدام انتقام‌جویانه «برزوس» سخن می‌گوید که سه هزار کاتی‌کی (مستعمره‌چی) ساکن در پارس را به ناحیه‌ای به نام «کماستوس» هدایت می‌کند و در خانه‌های روستا جای می‌دهد و به میزبانان می‌سپارد که آن‌ها را کاملاً مست کنند و سپس همه آن را به قتل می‌رساند (Pliny, 1961, V. II, p40). هرچند که در اصل این روایت هم تردید وجود دارد و مشخص نیست پلیانوس کدام سلوکوس را مدنظر داشته است، ولی در هر حال اگر اصل روایت هم درست باشد، به نظر می‌رسد این حادثه باید در اواخر حکومت سلوکوس دوم (۲۴۶-۲۲۶ پ.م) اتفاق افتاده باشد.



تصویر ۲

سکه وهوبرز

www.wildwinds.com/coins/greece/persis

بر پشت سکه‌ای منحصر به فرد از وهوبرز، او در شمایل‌ی مانند شاهنشاه هخامنشی نشان داده می‌شود که اسیری یونانی را ذبح می‌کند؛ یونانی بودن این اسیر از روی سپرش مشخص شده است. بر روی این سکه برای نخستین بار شاهد واژه *krny* هستیم؛ این لقب ظاهراً از کلمه یونانی *συναρκα* اخذ شده است که به معنی داشتن قدرتی فوق العاده است. همین عنوان را داریوش دوم هخامنشی، به پسرش کوروش جوان داده بود که بر تعدادی سرزمین در آسیای صغیر فرمانروایی می‌کرد. احتمالاً «وهوبرز» این لقب را به دلیل یادآوری

لقب یونانی $\varsigma\omicron\nu\nu\alpha\rho\alpha\kappa$ در زمان هخامنشی برای خود برگزیده باشد (Shayegan, 2011, p176)؛ زیرا این لقب، در مقابل لقب متواضعانه‌تر که، از قدرت بسیار زیاد او خبر می‌دهد. شاید این رویداد، با کشتن سه هزار «کاتی‌کی» مقدونی نیز هم‌زمان بوده باشد. این اتفاق، بین سال‌های ۲۰۵ تا ۱۹۰ پ.م روی می‌دهد که در آن «وهوبرز» احتمالاً حوزۀ فرمانروایی خود را تا حدود «خاراسن» گسترش می‌دهد (Shayegan, 2011, p176). ارشک اول (۲۵۰-۲۴۸ پ.م) یا تیرداد اول (۲۴۸ تا ۲۱۴ پ.م) در پی قیام خود برضد سلوکیان، در یکی از سکه‌هایش از واژه $\kappa\rho\eta\nu$ استفاده می‌کند. «سلوود» این لقب را با واژه یونانی ($\alpha\tau\tau\eta\rho\upsilon\tau$ Strat- egos) یکی دانسته‌است و به معنای «فرمانروای مطلق» می‌داند (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷). احتمال دارد استفاده از این سکه در دوره ارشک یا تیرداد اول، با به‌کاربردن این واژه نزد «وهوبرز» هم‌زمان باشد که هر دو شاه، به‌نوعی با بسط قدرت خویش القاب خویش را نیز بزرگوارانه‌تر کرده‌اند.



تصویر ۳

سکه کم‌یاب و منحصر به فرد وهوبرز
<https://www.numisbids/oriental>
Greek

در همین ایام بود که «آندراگوراس» شهر ب پارت، به‌نشانه استقلال به‌نام خود سکه ضرب کرد؛ ولی چندی بعد به‌دست «اشک»، از بین رفت. نکته قابل تأمل در این میان، طرح سکه‌ای است که او ضرب کرده‌است. این سکه با سکه‌ای نادر به‌دست آمده از «وهوبرز» نزدیکی بسیاری دارد. گمان می‌رود که در پشت پرده این اقدامات مشابه ایدئولوژی یکسانی در میان سران شورشی وجود داشته‌است.

۱. استاتر کلمه‌ای یونانی به معنای وزن درمیان یونانیان بود که از حدود سال ۵۰ میلادی در شهرهای تحت نفوذ یونانیان به دو صورت طلا و نقره انتشار یافت.



تصویر ۴

سکه استاتر طلا و وهوبرز، سردار شورشی پارس
<https://www.numisbids/oriental>
Greek

تصویر ۵

سکه آندراگوراس شهر ب سلوکوی پارت
<https://www.numisbids/oriental>
Greek



از طرفی این وقایع، با روایت «پلیانوس» نیز همخوانی دارد. در داستان «ابروزس»، او از شاهی با عنوان «سلوکوس» یاد می‌کند؛ ولی مشخص نیست کدام سلوکوس را مدنظر داشته‌است. اگر زمان شورش «بگدات» را، پس از مرگ سلوکوس یکم و شروع فرمانروایی آنتیوخوس یکم یعنی سال‌هایی بین ۲۸۰ تا ۲۷۰ پ.م بدانیم، بگدات و اردشیر روی هم‌رفته ۲۵ تا ۳۰ سال حکومت نیمه‌مستقل داشته‌اند که تقریباً منطقی به نظر می‌رسد. از روایت، این چنین برمی‌آید که زمان شورش وهوبرز، سلوکوس دوم (۲۴۶-۲۲۵ پ.م) بر تخت نشسته بوده‌است که اگر این تاریخ‌ها را با رویدادهای هم‌زمان معادل‌سازی کنیم، شورش آندراگوراس و برادران ارشک را نیز دربر می‌گیرد.

ج. بگدات

پیداشدن سکه‌ای از «بگدات» که بر روی سکه فرترکه پیشین مجدداً ضرب شده بود، «انگلز» را بر آن داشت تا «بگدات» را جانشین و یا شاه معاصر «وادفرداد یکم» بداند (Engels, 2013, pp. 42-49). علت این امر، شباهت سکه‌های «بگدات» از لحاظ سبک، با سکه‌های سلوکی و از سوی دیگر نوع ضرب متفاوت با دوره‌های بعد از این سکه است (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸). دو نوع سکه از «بَعْدَات» در دست است: در یک گونه از این سکه‌ها، تصویر صورت شخص حاکم با وقار و متانت و با چیره‌دستی خاصی حک شده‌است. در این تصویر، شخص حاکم بر روی بلوز و شلوار خود نیم‌تنه کوتاه (بشلیک یا همان تاج ساتراپی) پوشیده‌است که لباس معمولی دودمان آنان است و نیم‌تاجی مزین با سربند حکمرانان یونانی را بر سر دارد (بویس و گرتر، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵). این گونه سرپوش، در دوره هخامنشی و سلوکی با عنوان سرپوش ساتراپی نیز شناخته می‌شده‌است (Hill, 1922, p195). در پشت سکه، شاه در حالی که بر روی تخت نشسته‌است، گل و عصایی بلند در دست دارد که یادآور تمثال مشهور داریوش و یا خشایارشا در پرسپولیس است (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹؛ بویس و گرتر، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵؛ سرافراز و آورزمانی، ۱۳۹۱، ص ۷۵). در مقابل او، پرچم شرابه‌داری^۱ را می‌بینیم که دور آن کتیبه‌ای آرامی به چشم می‌خورد که بر رویش عنوان: *bdgtk prtk' zy Lhy* «بَعْدَات فرمانروای

۱. شرابه: طره و منگوله‌ای است که در جامه‌های سلاطین به کار می‌رفت و به صورت آویزان به‌همایش درمی‌آمد.

خدایان» نوشته شده است. در برخی از سکه‌ها عنوانِ «بغدادت bδgt prtrk' zy LHY' BR bgwkr»
فرترکه خدایان، پسر بگورت» آمده است.



تصویر ۶

سکه بغداد بر تخت

Ref: <https://CoinArchives.com/kings>
of Persis

پشت نوع دیگری از سکه‌ها، «بغدادت» را ایستاده در حال نیایش (?) در برابر سازه‌ای
شبه کعبه زرتشت در نقش رستم، نشان می‌دهد که روی آن سازه سه شیء نموده شده است
و همان درفش نیز در کنار این سازه قرار دارد (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۷۷).



تصویر ۷

سکه بغداد ایستاده در برابر سازه

Ref: <https://CoinArchives.com/kings>
of Persis

د. وادفرداد یکم

سکه بعدی به آخرین شاه از دودمان فرترکه «وادفرداد یکم» تعلق دارد. بر پشت سکه‌های
این شاه، عبارت 'Wtprdt prtrk 'ZY' LHY' «وادفرداد فرمانده از جانب خدا» حک شده است.
این شاه به احتمال زیاد هم‌دوره «آنتیوخوس سوم» است و احتمالاً بین سال‌های ۲۱۰ تا
۱۹۰ پ.م حکمرانی می‌کرده است. بر پشت برخی از سکه‌های «وادفرداد»، شاه در مقابل
سازه‌ای قرار دارد که بر فراز آن پیکره اهورامزدا (فر کیانی) نمایان است. با توجه به هم‌زمانی
سکه‌های او با سکه‌های بغداد گفته می‌شود که احتمالاً این دو برای مدتی به صورت هم‌زمان
فرمانروایی می‌کرده‌اند و در نهایت وادفرداد یکم موفق شد رقیب را حذف کند (Shayegan,
2011, p178). در پشت سر «وادفرداد»، پیکره الهه نایکه^۱ (نایک یا نیکه) در حالی که حلقه‌ای

۱. نایکه: الهه پیروزی در افسانه‌های یونان باستان. او دختر پالاس و استوکس شمرده می‌شود. او بیشتر به عنوان یک نماد شناخته شده است و به صورت دختری بالدار با تاج پیروزی تصویر می‌شود.



از گل بر روی سر شاه گرفته‌است، نشان داده شده‌است. با توجه به اینکه این نماد در میان یونانیان و سپس رومیان نشانه پیروزی و تفوق سیاسی-نظامی به‌شمار می‌رفته‌است، بنابراین استفاده از این نماد توسط او می‌تواند نشان از پیروزی نظامی او بر دشمنانش بوده باشد. مشابه این نماد را در نقوش پیروزی شاپور اول ساسانی (۲۶۱-۲۴۰ پ.م) می‌توان مشاهده کرد. هم‌چنین او تنها کسی است که بر روی سکه‌هایش کمان در دست دارد.



تصویر ۸

سکه وادفرداد یکم

www.wildwinds.com/coins/greece/
persis

۵. شکندات؟

با شکست نیروهای «آنتیوخوس سوم» در «مغنیسیا» (۱۹۰ پ.م)، سقوط دولت سلوکی سرعت یافت. این شکست، بازخوردهای فراوانی در میان بعضی از ساتراپ‌ها از جمله پارس، خراسن، الیمایی داشت؛ به‌گونه‌ای که هر کدام، شروع کردند به بسط قدرت در ایالت خویش. پس از کشته‌شدن «آنتیوخوس سوم» در حال غارت معبد الیمایی در سال ۱۸۷ پ.م، دوره تازه‌ای از ضرب سکه در بین شاهان پارس به‌وجود آمد. شاهد استفاده از عنوان MLK بر روی سکه فرمانروایان پارس در این دوره هستیم که از هژوارش واژه آرامی «شاه» به‌جای لقب فرترکه استفاده می‌کنند. هر چند «آلتهایم» معتقد است که احتمالاً در این زمان، مهرداد موفق شد پارس را فتح کند و اوضاع داخلی آنجا را سر و سامان دهد و به‌جای سلسله محلی، شاهان دست‌نشانده اشکانی را در آنجا به حکومت بگمارد (Altheim and Stiehl, 1970, pp 564-583)، ولی استفاده از عنوان کاملاً استقلال‌طلبانه «شاه» توسط حاکمان پارس در این زمان، تشدید عرق ملی و حس وطن‌پرستی در بین پارسیان در دوران یونانی‌مآبی را نشان می‌دهد. حقیقت امر این است که یونانیان می‌کوشیدند تا با ایجاد شهرهایی با جمعیت یونانی، حضور و سلطه خود را مستحکم‌تر کنند؛ این موضوع در فارس، بیشتر ملموس است و یونانیان حتی در اوج قدرت «آنتیوخوس سوم» با وجود نفوذ فرهنگی خاص در ماد، سیاست متفاوتی برای خاستگاه امپراتوری پارس اتخاذ کردند.

بقایای سفال‌های سبک هلنی به‌دست‌آمده در تل تخت پاسارگاد و محوطه تل ضحاک در جنوب غرب شیراز (فسا) نشان می‌دهد که سلوکیان کولونی‌هایی در منطقه تأسیس کرده‌اند (Callieri, 1995, pp 82, 84; Callieri and Askari, 2013, p695). گرچه به‌نظر می‌رسد یکی از سرداران «آنتیوخوس» توانست در نبردی یک‌روزه در سواحل خلیج فارس، پارس‌ها را شکست دهد، ولی درست در همان زمان، آنتیوخوس چهارم با سپاهیان از مناطقی در پارس که در خطر تجزیه بود، عقب‌نشینی کرد. او درحالی‌که قصد داشت معبدی را در این منطقه غارت کند، با مقاومت مردم مجبور به عقب‌نشینی ننگ‌آوری شد (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۷۵). این رویداد به‌احتمال فراوان، در زمان اولین شاه از این دودمان یعنی «شکندات» (حدود ۱۸۵ تا ۱۷۳-۱۷۴) پیش از میلاد اتفاق افتاده‌است. در روی سکه‌های «شکندات»، شاه با ریشی کوتاه نشان داده می‌شود که تاجی بر سر دارد و برخلاف تصاویر پیشین قسمت بناگوش تیارای سابق حذف شده و بر فراز آن عقابی نگاشته شده‌است. در پشت سکه‌های او نیز در مقایسه با سازه‌های فرتکه تغییراتی در سازه به‌وجود آمده‌است. این سازه جدید بیشتر به محراب قربانی شبیه است؛ پیکری بالدار در بالای آن قرار دارد و شاه در کنار سازه در حال نیایش است. در سمت راست سازه نیز، پرچمی برافراشته شده‌است که پرندای (عقاب یا شاهین) بر فراز آن نشسته است (Rezakhani, 2011, p248).



تصویر ۹

سکه شکندات (?)

Ref: [https://CoinArchives.com/kings of Persis](https://CoinArchives.com/kings_of_Persis)

و. وادفرداد دوم / داریو یکم / وادفرداد سوم

شاه بعدی از این دودمان، «وادفرداد دوم» است که بر پشت سکه‌هایش 'wtprdf MLK «وادفردادشاه» نامیده شده‌است. در این سکه‌ها، شاه هم‌چنان به‌مانند سکه‌های شاهان پیشین، رو به سمت راست دارد و در پشت سکه، در مقابل سازه محراب‌مانند ایستاده‌است؛ درحالی‌که در سمت راست بنا، پرندای بر روی چهارپایه‌ای نشسته است. تصویر شاه بر روی برخی از سکه‌ها، با چهره‌ای سالخورده نمایان است؛ درحالی‌که سکه‌هایی از دوران جوانی او نیز در دست است.



تصویر ۱۰

سکه وادفرداد دوم
www.wildwinds.com/coins/greece/persis



شاه بعدی، «داریوش اول» است که بر سکه‌هایش عبارت «daryw MLK» «داریوش شاه» درج شده است. سکه‌های او تمام خصوصیات سکه‌های «شکندرات» را داراست؛ ولی بر تاج شاه هلال ماه قرار دارد. دوران فرمانروایی داریوش اول به احتمال فراوان، بین سال‌های ۱۷۰ تا حدود ۱۵۰ پ.م است.

تصویر ۱۱

سکه داریو یکم
<https://www.numisbids/oriental>
Greek



آخرین شاه از این دودمان، «وادفرداد سوم» است که به احتمال فراوان بین سال‌های ۱۵۰ تا ۱۳۹ پ.م حکمران پارس بوده است. درباره دوران و چگونگی حکومت این شاه اطلاعاتی در دست نیست؛ تنها تعدادی سکه وجود دارد که از روی آن‌ها می‌توان هویت این شاه را تشخیص داد. شاه در روی سکه با صورت ریش‌دار به طرف راست می‌نگرد و تاجی بر سر دارد، در حالی که هلال ماهی در بخش بالا قرار گرفته است. در پشت سکه، آتشکده در وسط و انسان بالدار در سمت بالای آن قرار دارد؛ در حالی که وادفرداد در سمت چپ ایستاده و بازوی خود را بالا آورده است و در سمت راست، ستونی توسط عقاب برافراشته شده است. از دوران زندگی این شاه، اطلاعاتی در دست نیست؛ ولی به احتمال فراوان او همانی است که «دمتریوس دوم» سلوکی را به همراه قوایی از الیمایی در نبرد سال ۱۳۹ پ.م در مقابل مهرداد یکم اشکانی یاری رسانده است. از آنجا که اکثر حاکمان محلی در الیمایی، خاراسن و پارس با وجود استقلال بیشتر، هنوز هم به شاه سلوکی وفادار بودند، او

را در برابر شاه نوپای اشکانی یاری کردند (Wenke, 1981, p306). با شکست دمتریوس در جنگ، پارس و الیمایی تحت نفوذ کامل پارتیان درمی آیند و شاهانی که پس از وادفرداد سوم بر تخت می نشینند، از اصول سکه زنی اشکانی پیروی می کنند. چهار درآخم، واحد اصلی پول فرترکه‌ها، آخرین بار نزد وادفرداد سوم نمودار می شود و از آن زمان به بعد درآخم به عنوان واحد اصلی پول جدید به جریان انداخته می شود (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۸۴).



تصویر ۱۲

سکه وادفرداد سوم
www.wildwinds.com/coins/greece/
persis

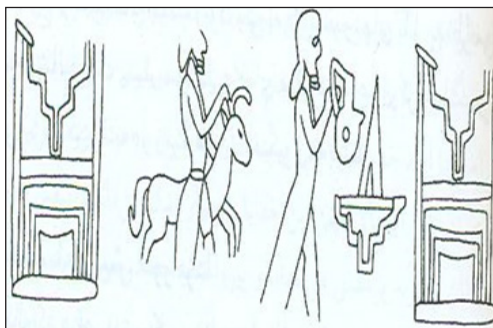
۹. تداوم سنت های هخامنشی در سکه های فرترکه / ملکا

۱- سازه

تاکنون محققان بسیاری پیکرنگاری سکه های پارسی را بررسی کرده اند. درباره سازه پشت سکه های فرترکه، نظریاتی از قبیل آتشکده، آتشگاه یا مخزنی برای آتش مقدس، آرامگاه، برج تاج گذاری، پی و شالوده خانه و یا جایگاهی برای وسایل زرتشتیان، برج قربانگاه، محرابه آتش وجود دارد. «پاتس» باور دارد که ساختمان روی سکه های فرترکه، با زندان سلیمان در پاسارگاد و کعبه زرتشت و آرامگاه مقدس شاهان هخامنشی در نقش رستم قابل قیاس است (Potts, 2007, pp 271-300). ولی دلیل کسانی که این بنا را آتشگاه می دانند، سه شی قرار گرفته بر بالای این سازه بر سکه هاست. این عده، سه شی بر فراز سازه را سه آتش مقدس، آتش موبدان و روحانیون (آتور فرنیغ)، آتش ارتشتاران (آتور گشسب)، و آتش واستریوشان (آتور برزین مهر) می دانند (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱؛ شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۳۳). «تیلیا» ولی معتقد است که تصویر سازه روی سکه ها، بیشتر به جان پناه شباهت دارد (Tilia, 1972, p78). او نخستین کسی بود که کاربری این سه شی را جان پناه اعلام کرد که مشابه آن ها را پیشتر در پارسه (تخت جمشید) یافته بود و حتی موفق شده بود سکوی دیوار جنوب و غرب و هم چنین کاخ H را بر فراز تختگاه پارسه بازسازی کند. «تیلیا» در کتاب خود (۱۹۷۲)، به کاخی اشاره می کند که در آنجا قرار داشته و متعلق به خشایارشا یکم بوده است و پس از ویرانی های اسکندر، کاربری آن تغییر کرده است. به ادعای او، این مکان اقامتگاهی برای یکی از حاکمان پرسیس می شود که بر بالای تپه ای ساختمانی بنا



شده است. اگر این نظریه درست باشد، عده‌ای بر این باورند که این همان ساختمانی است که بر روی سکه‌های فرتکه کار شده است (Haerinc and Overlaet, 2008, pp 207-233). ظهور مرد بالدار بر سکه‌های «وادفرداد اول» در حالی که کمانی در دست دارد، باعث شد تا عده‌ای قبول کنند که فَرْتَر که‌ها می‌خواستند، نقش داریوش بر بالای مقبره را به‌نمایش بگذارند که در آنجا تثلیث شاه، محرابه آتش، مرد بال‌دار، نمایان شده است (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص ۸۲؛ شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۳۴). البته باید به وجود تصویر کمان بر روی این سکه‌ها اشاره کرد که بر سکه‌های «وادفرداد اول» دیده می‌شود. در حال، در حالی که «پاتس» معتقد است که این سازه احتمالاً انعکاس و تصویری از بنای مکعب‌شکل نقش رستم (کعبه زرتشت) به‌عنوان جایگاهی مقدس است، «هرنیک» بر این باور است که ساختمان پشت سکه‌ها، محراب‌های آتش داخلی را نشان می‌دهد و با جایگاه‌های مقدس یونانی و رومی قابل مقایسه است؛ مانند: «آرپایس» که در روم است (Haerinc and Overlaet, 2008, pp 207-233). البته شکل این سازه در زمان سه شاه پس از فرتکه‌ها که عنوان MLK (شاه) داشتند، تغییر می‌کند؛ ولی در مجموع شکل بنا، یادآور محرابه‌های آتش و قربانی در زمان هخامنشیان است. دو نقش مُهر از دوره هخامنشی، سازه‌ای را نشان می‌دهد که با سازه حک شده بر سکه‌های این دوره شباهت بسیاری دارد.



تصویر ۱۳

مهر شماره (۱)
(Garrison and Cool Root, 2001,
Vol 117. p215)

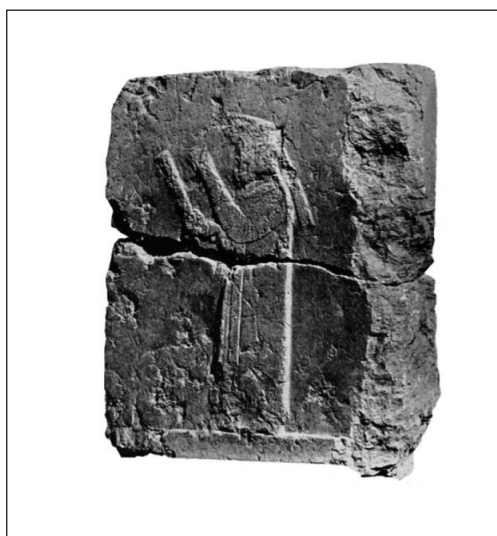


تصویر ۱۴

مهر شماره (۲)
(Garrison and Cool Root, 2001,
Vol 117. p215)



از طرفی در نزدیکی صفت تخت‌جمشید، معبدی بنا شده بود که در آن ایزدان کهن ایرانی پرستش می‌شد که «هرتسفلد» این مکان را بانام معبد فرترکه‌ها معرفی می‌کند (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ص ۲۸۱). این نیایشگاه شامل چندین اتاق متعدد و پایه‌ستون‌هایی به‌سبک هخامنشی است که می‌توانسته‌است برای پارسیان در کسب مشروعیت دینی و حفظ وحدت ملی نقش مهمی ایفا کند. نزدیکی این معبد به تخت‌جمشید و هم‌چنین استفاده از مصالح و ادامه هنر معماری هخامنشی در ساخت این بنا، تلاش فرترکه‌ها در به‌دست‌آوردن وجهه فرمانروایی را بیان می‌کند.



تصویر ۱۵

نقش فرترکه بر دیوار درگاه معبد موسوم
به فرترکه (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹)

۲- شاهین یا عقاب / درفش

بر سکه‌های فرترکه پرچمی وجود دارد که بر بالای آن عقابی نشسته است؛ به‌نظر می‌رسد این دو عنصر، به نمادی در کنار هم بدل شده بودند. نماد انسان بالدار هخامنشی، از نیم‌تنه پادشاه و بدن عقاب یا پرنده‌ای همانند آن ساخته شده بود و این به‌روشنی نشان‌دهنده آن است که مفهوم ایرانی پادشاه، با پرنده‌گان پیوندهای زیادی دارد. احتمالاً این سنت در زمان هخامنشیان نیز وجود داشته است و به هدف فرمانروایی نیز بسیار نزدیک بوده و در قالب فرّه ایزدی در نماد پرنده‌ای (شاهین یا عقاب) با مقام شاهی در پیوند بوده است (شهبازی، ۱۳۹۰، ص ۸۵). همان‌گونه که عقاب یا شاهین نمادی از فرّه و شکوه خدادادی است، پیوند او با خاندان هخامنشی نیز جالب‌توجه است؛ زیرا بنابر روایتی، هخامنش را عقابی پرورش داده است (شهبازی، ۱۳۹۰، ص ۲۲). «هرودوت» می‌آورد: «هر لشکر پارسی در

دوره هخامنشی، پرچم خاص خود را داشت» (هرودوت، ۱۳۴۰، ج ۴، ص ۹۶). «گزنفون» نیز می نویسد: «عَلَم پادشاهی ایران، عقابی زرین بود که بر روی نیزه نصب کرده بودند و همه افسران عالی رتبه، بر بالای چادرهای خود پرچم‌هایی مخصوص به خود داشتند که با آن شناخته می شدند» (گزنفون، ۱۳۵۰، ص ۸۳). هخامنشیان مانند نیاکان آریایی خود، پرنده نیرومندی مانند عقاب و شاهین را که نشانه برتری و شکوهمندی و پیروزی و حمایت در ادوار گذشته بود مظهر شاهی تلقی کردند و پرچم‌های خود را به آن مزین کردند (بیانی، ۱۳۵۱، صص ۱۱-۶۶). عقاب به احتمال فراوان، با وارغن (Varθyna) پرنده شکوه آور در اوستا در پیوند است (Luschey, 1972, vol 5, pp 257-260). در اوستا فرّه شاهی، ریخت‌های گوناگونی به خود گرفته است که یکی از آن‌ها پرنده‌ای به نام وارغن (vayayana) یا شاهین است که با ورثرغنه (vraθrayana) خدای جنگ ایرانیان - که خود بخشنده فرّه هم هست - پیوند دارد^۱ (دوست‌خواه، ۱۳۷۰، اوستا، یشت چهارم، بهرام‌یشت، بند ۳۵). این عقاب بسیار مشابه نمونه‌هایی در اثر مهرهای تخت جمشید است که به توالی رسمی کهن اشاره دارد؛ ولی درفش که صفحه‌ای چهارگوش آراسته به ستاره چهارپر و چهاراوز زنگوله دار دارد (Hill, 1922, p103) و تصویرکردن آن بر سکه - جایی که مهم‌ترین علائق قومی و دینی فرمانروا را نشان می‌دهد - بیانگر اهمیت و رمز آن است و ریختش به‌ویژه اختر تزیینی و آویزهای چهارگانه‌اش یادآور درفش‌های هخامنشی است (شهبازی، ۱۳۹۰، ص ۲۳). هم‌چنین در کاوش‌های «علی سامی» در تخت جمشید، پلاکی آبی‌رنگ کشف شد که عقابی بال‌گشوده را نشان می‌دهد که بر سر او گویی نقش بسته است (Sami, 1970). «ویکاندر» استفاده از پرچم را امری رایج میان قبایل هند و ایرانی می‌داند که در قالب نمادی مذهبی، سلطنتی و یا نظامی به کار می‌رفته است (Wikander, 1938, pp 60-62). در صحنه باریابی در خزانه تخت جمشید، در پشت سر سلاح‌دار شاه، دو سرباز دیگر هستند که در دست یکی نیزه‌ای بلند و در دست دیگری، صفحه‌ای مربع‌شکل - به احتمال زیاد درفش - دیده می‌شود که البته نقشی بر آن بسته نشده است (Nylander, 1983, p26)؛ ولی نزدیکی نشان پرچم فرترکه با پرچمی از تمدن اورارتو که انسان یا فرشته‌ای بالدار در پلاک یا صفحه‌ای فلزی (برنزی) نقش بسته است، انکارنشدنی است و شاید به گونه‌ای تأثیرپذیری هنر هخامنشی از هنر اورارتو را نشان می‌دهد (Tašyürek, 1978, pp 940-955). در ایران دوره هخامنشی، استفاده از پرچم‌های امپراتوری پارسیان رایج بوده است (شهبازی، ۱۳۹۱، ص ۹۷). در موزاییک پمپی که مربوط به نبرد داریوش سوم و اسکندر مقدونی است نیز، پرچمی به نمایش درآمده که بر بالای آن، پرنده‌ای نقش بسته است که عده‌ای آن را خروس^۲ و پاره‌ای دیگر عقاب دانسته‌اند^۳ (Ackerman, 1916, p2767). این احتمال وجود

۱. هم‌چنین برای اطلاع بیشتر در این مورد نک به:

Stricker. B. H. (1963-64). "Varθyna, the falcon". II, 7, PP 310-317.

۲. در اوستا از خروس به عنوان پرنده مقدس نام برده شده است و یونانیان آن را پرنده ایرانی نام‌گذاری کرده بودند

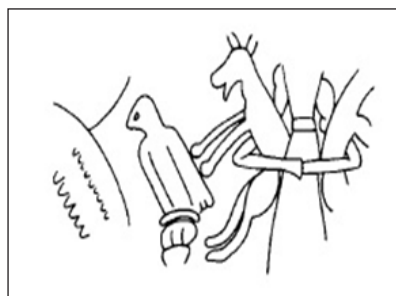
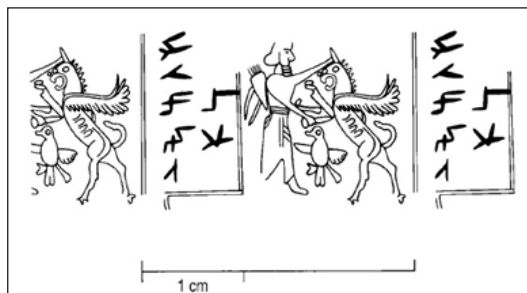
(Nylande, 1983, p44; Sarre, 1903, p348).

۳. فردیناند یوستی فردریش زاره و اسکار مان با مقایسه نقش پرچم در سکه‌های فرترکه و موزاییک نبرد داریوش سوم و اسکندر آن را همان درفش کابوایی و اساطیری ایران معرفی کرده‌اند

(Sarre, 1903, p350; Mann, 1916, pp 3-5; Justi, 1895, p186).



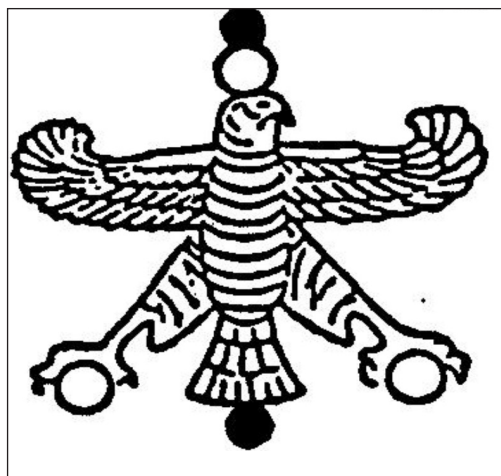
دارد که شاهان محلی پارس، چهار اثر عمده رمزی یعنی کمان، آتش، درفش و نماد فرّ کیانی را از هخامنشیان به میراث گرفته بودند تا بتوانند درمقابل مقدونیان بیگانه مسلط بر پارس، و جهه ملی و دینی متقاعدکننده‌ای بیابند (شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۴۰).



1. PFS: prefeasibility study

تصویر ۱۶

Garrison and Cool Root, 1984)
(p304, PFS' 266

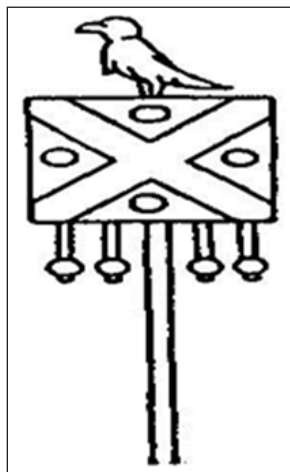


تصویر ۱۷

نقش عقاب بال‌گشوده که از
کشفیات سامی در تخت جمشید
است <https://fa.nody.ir>
سامی، ۱۳۳۸، ج ۴، ص ۳۳۶.

تصویر ۱۸

شبهات پرچم کار شده بر روی
سکه‌های فرترکه (راست) و پرچم
اورارتویی (چپ)
Ref: www.Iraniconline.org/Draft



۳- خط و زبان

از کتیبه‌های آرامی که در میان هزاران گل‌نشته یافت شده از باروی تخت‌جمشید در دست داریم، می‌دانیم که این خط حداقل از زمان داریوش اول (۵۲۲-۴۸۶ پ.م) در پارس استفاده می‌شده است. اختراع خط پارسی باستان توسط این شاه هخامنشی نیز، نتوانست انتظارات دیوان‌سالاران هخامنشی را برآورده کند؛ تا اینکه بالاخره از دوره اردشیر اول، در دیوان هخامنشی، خط آرامی جایگزین خط پارسی باستان شد (Bea, 2004, pp 1-20). استفاده از این خط از همان ابتدای حکومت شاهان محلی پارس، بسیار پراهمیت است؛ هر چند تاکنون مشکلاتی در ترجمه نوشته‌های آرامی سکه‌های فرترکه‌ها وجود داشته است و منشأ آن‌ها به درستی مشخص نیست، ولی «گرین فیلد» به کتیبه‌های ناخوانا از یکی از شاهان پارس اشاره کرده است و با تکیه بر آن، خط مورداستفاده این شاهان را فارسی باستان متأخر و یا فارسی میانه قدیم می‌داند (گرین فیلد، ۱۳۹۰، ص ۸۵۱). هم‌چنین «بیوار» و «شاکد» از این خط، بانام آرامی پارسی یاد می‌کنند (Bivar & Shaked, 1964, p282). در سال ۱۹۲۳م «هرتسفلد» موفق شد کتیبه‌ای را در مقبره داریوش کشف کند که تا آن زمان به نظر نرسیده بود. نوع خط این کتیبه آرامی بود؛ ولی به علت آسیب فراوان ناخوانا بود. خواندن دو کلمه $xšaya\theta ya\ vazaraka$ که به پارسی باستان به معنای «شاه بزرگ» است و کلمه (مه‌یا) یا mahyan که ترجمه پارسی باستان آن «در این ماه» معنی می‌دهد، ثابت می‌کند که این کتیبه به خط آرامی، ولی به زبان پارسی باستان است (هرتسفلد، ۱۳۵۴، ص ۹۱). هم‌چنین در این کتیبه، کلمه دیگری که خوانا است و شباهت و مباحث بسیاری را نیز مطرح کرده است واژه SLWK است که «هیننگ» آن را صورت نام «سلوکوس» و این کتیبه را نه هخامنشی

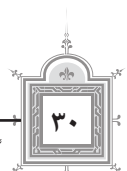
بلکه سلوکی دانسته است. ولی اگر SLWK نام سلوکوس اول نباشد، باید کتیبه را از اواخر دوران هخامنشیان انگاشت (فرای، ۱۳۸۸، ص ۲۵۷). هم چنین می توان این کتیبه را متعلق به شاهان محلی پارس دانست که برای بزرگداشت شاهان هخامنشی، نگاشته بودند. هم چنین در محوطه تلِ تختِ پاسارگاد بر روی جان پناهی کنگره دار، کتیبه ای دوزبانه (سلوکی - آرامی) متعلق به دوران سلوکی یافت شد که خود، بیانگر اهمیت این خط در شروع دوران پسا هخامنشی است و نشانگر تداوم خط آرامی - که خط دیوان سالاران هخامنشی بود - به دوران سلوکی است (استروناخ، ۱۳۷۹، صص ۲۲۱-۲۲۴). در عصری که یونانی زبان نوشتاری و برتر امپراتوری سلوکی بود، آرامی هم چنان در استان ها و امیرنشین هایی مانند ارمنستان، سغد، خوارزم و پارس رواج داشت (استروناخ، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵). ادامه این خط در زمان اشکانیان و رسیدن آن به دوران ساسانی که با تغییر و تحولاتی در آن همراه شد، خط پهلوی میانه ساسانی را به وجود آورد؛ به گونه ای که خط آرامی پیشینه خط فارسی میانه به حساب می آید (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵).

	HEBREW	PHENICIAN	SIDONIAN	ARAMEEN ACHEMÉNIDE	PEHLVI PERSÉPOLITAIN	SASSANIDE
A	א	𐤀	𐤁	𐤀	𐎀	𐎀
B	ב	𐤁	𐤂	𐤁	𐎁	𐎁
G	ג	𐤂	𐤃	𐤂	𐎂	𐎂
D	ד	𐤃	𐤄	𐤃	𐎃	𐎃
H	ה	𐤄	𐤅	𐤄	𐎄	𐎄
U	ו	𐤅	𐤆	𐤅	𐎅	𐎅
Z	ז	𐤆	𐤇	𐤆	𐎆	𐎆
H	ח	𐤇	𐤈	𐤇	𐎇	𐎇
T	ט	𐤈	𐤉	𐤈	𐎈	𐎈
I	י	𐤉	𐤊	𐤉	𐎉	𐎉
K	כ	𐤊	𐤋	𐤊	𐎊	𐎊
L	ל	𐤋	𐤌	𐤋	𐎋	𐎋
M	מ	𐤌	𐤍	𐤌	𐎌	𐎌
N	נ	𐤍	𐤎	𐤍	𐎍	𐎍
S	ס	𐤎	𐤏	𐤎	𐎎	𐎎
C	צ	𐤏	𐤐	𐤏	𐎏	𐎏
P	פ	𐤐	𐤑	𐤐	𐎐	𐎐
O	ק	𐤑	𐤒	𐤑	𐎑	𐎑
R	ר	𐤒	𐤓	𐤒	𐎒	𐎒
S	ש	𐤓	𐤔	𐤓	𐎓	𐎓
C	ק	𐤔	𐤕	𐤔	𐎔	𐎔
P	פ	𐤕	𐤖	𐤕	𐎕	𐎕
O	ק	𐤖	𐤗	𐤖	𐎖	𐎖
R	ר	𐤗	𐤘	𐤗	𐎗	𐎗
S	ש	𐤘	𐤙	𐤘	𐎘	𐎘
T	ת	𐤙	𐤚	𐤙	𐎙	𐎙

تصویر ۱۹

سیر تکاملی خط آرامی و تبدیل آن به خط پهلوی

Ref: www.anthropologyandculture.ir



۱۰. نتیجه

تصمیم اسکندر مبنی بر هلنی کردن آسیا و موج فراگیری که پس از آن در درون ایالات از دست رفته هخامنشی به راه افتاد، در درون سرزمین پارس -جایی که موطن اصلی و خاستگاه هخامنشیان به شمار می‌رفت- متوقف شد. به آتش کشیدن پرسپولیس (تخت جمشید)، خود گواهی بر شکست این سیاست در پارس است. پس از مرگ زود هنگام اسکندر و با روی کار آمدن سلوکیان، می‌توان گفت تنها کسی که توانست در پارس سکه ضرب کند، بنیان‌گذار این سلسله یعنی سلوکوس اول بود. در این زمان حکام محلی پارس، خود را برای رهایی از چنگ سروران مقدونی آماده می‌کردند و پشتوانه آن‌ها، ایدئولوژی احیای شاهنشاهی هخامنشی بود. این ایدئولوژی، از نخستین روز قیام این حکام، کاملاً تعریف شده و برنامه‌ریزی شده بود. استفاده از خط آرامی که خط دیوان سالاری هخامنشیان بود، به کاربردن عنوان‌هایی که در زمان هخامنشی استفاده می‌شد همانند *krny, frataraka* و ... ، حمایت از دین که با هجوم موج هلنیستی حفظ آن کاری ضروری به حساب می‌آمد، استفاده از نشان‌ها و نمادهای مقدس هخامنشی مانند درفش، پرچم، پوشش و ... ، ساخت بناهایی در ارگ پارسه و هم‌چنین در مجاورت آن، ساخت آرامگاه‌هایی مشابه آرامگاه‌های شاهان هخامنشی در تخت جمشید و نقش رستم و هم‌چنین آرامگاه کوروش در پاسارگاد، همه و همه از عرق ملی و دینی این شاهان به سنت‌های هخامنشی نشان دارد. اگرچه «استرابو» این شاهان را زیر دست سلوکیان می‌داند (استرابو، ۱۳۸۲، ص ۳۲۹)، ولی شواهد و قراین موجود بر امر دیگری گواهی می‌دهند. از طرفی، شواهد سکه‌شناسی تقریباً اثبات کرده‌است که ضرب نخستین سکه توسط حاکمان محلی پارس، در زمان حکومت سلوکوس یکم انجام شده‌است که با این حساب می‌توان نظریه تاریخ متقدم را محتمل‌تر از تاریخ متأخر دانست و استقلال این ایالت را مربوط به نخستین سال‌های سده سوم پیش از میلاد دانست. این شواهد هم‌چنین توالی فترکه‌های پارس را تغییر می‌دهد و اردشیر را اولین فترکه پارس معرفی می‌کند؛ بر همین اساس فترکه‌های پس از او، به ترتیب وهوبرز، بگدات و وادفداد یکم هستند.



منابع فارسی

کتاب

- استرابو. (۱۳۸۲). *سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان*. (همایون صنعتی زاده، مترجم). تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- استروناخ، دیوید. (۱۳۷۹). *پاسارگاد*. (حمید خطیب شهیدی، مترجم). تهران: سازمان میراث فرهنگی، اسنمیت، اریک. ف. (۱۹۵۳). *تخت جمشید، بناها، نقش‌ها، نبشته‌ها*. (عبدالله فریار، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- بریان، پی.یر. (۱۳۸۶). *تاریخ امپراطوری هخامنشیان*. (مهدی سمسار، مترجم). تهران: زریاب.
- بویس، مری؛ گرئر، فرانتر. (۱۳۷۵). *تاریخ کیش زرتشت: جلد سوم: پس از اسکندر گجسته*. (همایون صنعتی زاده، مترجم). تهران: توس.
- تیلیا، ان‌بریت. (۱۹۷۲). *بررسی و مرمت در تخت جمشید و دیگر اماکن باستانی فارس*. (کرامت‌الله افسر، مترجم). رم: ایزمئو.
- دوست‌خواه، جلیل. (گزارش و پژوهش). (۱۳۷۰). *اوستا: کهن‌ترین سروده‌های ایرانیان*. تهران: مروارید.
- رضاخانی، خداداد. (۱۳۹۱). «منبع‌شناسی سکه‌های پارس در دوره یونانی مآبی». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، اسفند شماره ۱۷۸، صص ۲۹-۳۲.
- رضایی باغبیدی، حسن. (۱۳۸۸). *تاریخ زبان‌های ایرانی*. تهران: مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- سامی، علی. (۱۳۳۸). *گزارش‌های باستان‌شناسی*. مجلد چهارم. شیراز: چاپ موسوی.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ آوزمانی، فریدون. (۱۳۹۱). *سکه‌های ایران: از آغاز تا دوران زندگی*. تهران: سمت.
- سلوود، دیوید. (۱۳۸۹). «دولت‌های کوچک جنوب ایران (براساس سکه‌شناسی)». چاپ‌شده در کتاب: *تاریخ ایران کمبریج، جلد سوم: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، قسمت اول. (احسان یارشاطر، گردآورنده؛ تیمور قادری، مترجم). تهران: مهتاب.
- شهبازی، علی‌رضا شاپور. (۱۳۹۰). *جستاری درباره یک نماد هخامنشی (فروهر، اهورامزدا یا خورنه؟)*. (شهرام جلیلیان، مترجم). تهران: شیرازه.
- شهبازی، علی‌رضا شاپور. (۱۳۹۱). *جستارهای ایران‌شناسی*. (ابراهیم موسی‌پور، کوشش‌گر و ویراستار). تهران: کتاب مرجع.
- فرای، نلسون ریچارد. (۱۳۸۸). *تاریخ باستانی ایران*. (مسعود رجب‌نیا، مترجم؛ منوچهر امیری، ویراستار). تهران: علمی و فرهنگی.
- گزنفون. (۱۳۵۰). *سیرت کوروش کبیر*. (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: چاپ‌خانه بانک بازرگانی ایران.
- گوتشمید، آلفرد. (۱۳۷۳). *تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان*. (کیکاوس جهاننداری، مترجم و حاشیه‌نویس). تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.



- مشکور، محمدجواد. (۱۳۷۴). *تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان "پارتیان" یا پهلوانان قدیم*. تهران: دنیای کتاب.
- ویسهوفر، ژوزف. (۱۳۸۸). *تاریخ پارس از اسکندر مقدونی تا مهرداد اشکانی*. (هوشنگ صادقی، مترجم). تهران: فرزاد.
- هرتسفلد، ارنست امیل. (۱۳۸۱). *ایران در شرق باستان*. (همایون صنعتی زاده، مترجم). کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- هرتسفلد، ارنست امیل. (۱۳۵۴). *تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی*. (علی اصغر حکمت، مترجم). تهران: انجمن آثار ملی.
- هرودوت. (۱۳۴۰). *تواریخ*. (ج ۴). (هادی هدایتی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- یوستی، فردیناند. (۱۳۸۲). *نام‌نامه ایرانی*. تهران: اساطیر.

مقاله

- بیانی، ملک‌زاده. (۱۳۵۱). «شاهین نشانه فرّه ایزدی». *بررسی‌های تاریخی*، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱، شماره ۳۸، صص ۱۱-۴۶.
- روستوفتروف، م. (تابستان ۱۳۸۰). «سیاست فراگیر سلوکیان». (نادر میرسعیدی، مترجم). *رشد آموزش تاریخ*، شماره ۶، صص ۳۶-۴۰.
- شهبازی، علی‌رضا شاپور. (فروردین ماه ۱۳۸۰). «وهویرز، پادشاهی از ایران باستان». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، دوفصل‌نامه علوم انسانی به زبان فارسی، انگلیسی، سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۱-۲ (پیاپی ۲۷).
- شهبازی، علی‌رضا شاپور. (۱۳۶۵). «درفش». *ایرانیکا*، ج ۷، صص ۳۱۲-۳۱۵. www.Iranicaonline.org/Draft
- گرین فیلد، جی. سی. (۱۳۹۰). «آرامی در امپراطوری هخامنشی». (تیمور قادری، مترجم). چاپ‌شده در کتاب: *تاریخ کمبریج دوره‌های ماد و هخامنشی*. (ج ۱). (بخش ۲). تهران: مهتاب.

منابع لاتین

- Ackerman, Phyllis. (1916). "Standards, Banners and Badges". *Survey of Persian Art*, VI, pp 276-282.
- Alram, Michael. (1986). *Nomina propria Iranica in nummis: Iranisches Personen-namenbuch*. Vienna.
- Alram, Michael; Gyselen, Rika. (2003). *Sylloge Nummorum Sasanidarum. Band I:*



- Ardashir I - Shapur I*. Paris, Berlin, Wien.
- Altheim, Franz; Stiehl, Ruth. (1970). "Geschichte Mittelasiens im Altertum". *Walter de Gruyter & Co Berlin*, pp 564-583.
- Arrian. (1949). *History of Alexander and Indica (Anabasis Alexanderi)*. (E. Iliff Robson, trans.). Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Bea, Chul-hyun. (2004). "Aramaic as a lingua franca during the Persian Empire (538-333 B.C.E)". *Journal of Universal language*, 5(1), pp 1-20.
- Bevan, Edwyn Robert. (1902). *The house of Seleucus*. (Vol. 1). London: Edward Arnold Publication.
- Bivar, A. D. H; Shaked, Shaul. (1964). "The Inscriptions at Shīmbār". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 27(2), pp 265-290.
- Boyce, Mary; Grenet, Frantz. (1991). *A history of Zoroastrianism, Vol. 3: Zoroastrianism under Macedonian and Roman Rule*. Leiden.
- Callieri, Pier Francesco. (1995). "Une borne routière grecque de la région de Persépolis (information), remarques additionnelles de M. Paul Bernard". In: *Comptes-rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres*, 139e année (1), pp 65-95.
- Callieri, Pier Francesco. (1998). "Proposito di un'iconografia monetale dei dinasti del Fars post-achemenide". *Ocnus*, 6, pp 25-38.
- Callieri, Pier Francesco; Askari Chaverdi, Alireza. (2013). "Media, Khuzestan, and Fars between the end of the Achaemenids and the rise of the Sasanians". *OHAI*, pp 690-717.
- de Morgan, J. (1923). *Manuel de Numismatique Orientale de L'Antiquite et du Moyen Age*. Paris: P. Geuthner.
- "Diodorus of Siculus". (1963). (C. B. Welles, trans.). In twelve vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Engels, David. (2013). "A New Frataraka Chronology". *Latomus*, 72, pp 28-82.
- Garrison, Mark; Cool Root, Margaret. (1984). *Seals On The Persepolis Fortification Tablets, Volume 1: Images of Heroic Encounter*. Part 1. Chicago: Oriental Institute Publication.



- Garrison, Mark. B; Cool Root, Margaret. (2001). the oriental institute of the University of Chicago. Vol 117.
- Gholami. K. (2020). "A New Frataraka Chronology and Coinage". *Ancient Iranian Numismatics in Memory of David Sellwood*.
- Haerinck, Ernie; Overlaet, Bruno. (2008) "Altar Shrines and fire Altars? Architectural representations on Frataraka Coinage". Brussels: Ghent University, PP 207-233.
- Herzfeld, Ernst E. (1935). *Archaeological History of Iran*. london.
- Hill, George Francis. (1922). *Catalogue of the Greek Coins in the British Museum: Arabia, Mesopotamia and Persia*. London.
- Hinz, Walther. (1976-1979). *Darius und die Perser. Eine Kulturgeschichte der Achaemeniden*. Berlin: Baden.
- Hoover, O. D. (2008). "Appendix 5: Overstruck Seleucid Coins" in: A. Haughton; C. Lorber; O. Hooser (eds.) *Seleucid Coins. A Comprehensive Catalogue, Part 2: Seleucus IV through Antiochus XIII*. 2 vol. New York and Lancaster: American Numismatic Society. pp 209-230.
- Itô, Gicyô. (1976). Gathika XIV-XV. "Syenian frataraka and Persian pratarak". *New Iranian Elements in Ancient Aramaic in Orient*, 12, pp 47-66.
- Justi, Ferdinand. (1895). *Iranisches Namenbuch*. Marburg: NG Elwert.
- klose, Dietrich. O. A; Müsseler, Wilhelm. (2008). *Statthalter, Rebellen, Könige. Die Münzen aus Per se polis von Alexander dem Grossen zu den Sasaniden*. münchen.
- Koch, H. (1988). "Herrscher in der Persis unter den Seleukiden und Parthern". *Die Welt des Orients*, 19, pp 84-95.
- LEU BANK AG. (Zurich, 12 Mai 1987). "Antike munzen; Kelten – Griechen – Literatur". pp. 85, nn. 499, tavv. 29 + 1 ingrandimenti. ril. ed. buono stato.
- Luschey, H. (1972). "Ein königliches Embelm". *AMI*, 5, pp 257-260.
- Mann. O. (1916). "Kāveh o derafs-e Kāvīānī". *Kāveh*, 1(24), pp 3-5.
- Mørkholm, Otto. (1991). *Early Hellenistic Coinage from the Accession of Alexander to the Peace of Apamea (336-188 B.C.)*. (ed. By Ph. Grierson / U. Wester mark), Cambridge.

- Naster, P. (1968). "Faratakara, farataraka outrataclara?". *Iran*, 8, pp 74-80.
- Newell, Edward Theodore. (1938). *The Coinage of the Eastern Seleucid Mints*. New York.
- Nylander, C. (1983). "The standard of the Great king – a problem in the Alexander Mosaic". *Opuscula Romana*, 14/2, pp 19-37.
- Pliny. (1961). *Natural History*. Vol II. Harvard University Press. William Heinemann.
- Plutarch. (1971). Plutarch's lives. (Bernadotte Perrin, trans.). In eleven vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University press.
- Potts, D. T. (2004). *The archaeology of Elam, formation and transformation of an ancient Iranian state*. London: Cambridge University Press.
- Potts, D. T. (2007). "Foundation Houses, Fire Altars and the Faratraka and: interpreting the iconography of some post – Achaemenid Persian coins". *Iranica Antiqua*, 42, PP 271-300.
- Quintus Curtius. (1962). *History of Alexander*. (John C. Rolfe AND Litt. D, trans.). In two vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Rezakhani, KH. (2011). *Numismatic Art of Persia. The Sunrise Collection, Part I: Ancient – 650 BC to AD 650*. (Editor and Cataloger: R. Nelson, Bradley). Classical Numismatic Group. Inc. Lancaster / London.
- Sami, Ali. (1970). *Persepolis (Takht-I-Jamshid)*. (R. Sharp, trans.). Musavi printing office. Shiraz
- Sarkhosh Curtis, Vesta. (2010). "The Farataraka coins of Persis: Bridging the Gap between Achaemenid and Sasanian Persia". In: (John Curtis and St. John Simpson, eds). *The World of Achaemenid Persia: History, Art and Society in Iran and the Ancient Near East*. London: I. B. Tauris. pp 379-396.
- Sarre, F. (1903). "Die altorientalischen Feldzeichen, mit besonderer Berücksichtigung eines unver-öfentlichten stücks". *Kilo*, 3, pp 331-371.
- Sellwood, D. (2011). Parthian Coins. In: (Ehsan Yarshater, (ed.)). *The Cambridge History of Iran, Volume 3: The Seleucid, Parthian and Sasanid Periods, Part 2*, 1983, pp 299–321.
- Stronach, David. (1978). *Pasargadae: A Report on the Excavations Conducted by the*



British Institute of Persian Studies from 1961-1963. oxford.

Shayegan, M. Rahim. (2011). *Arsacids and Sasanians: Political Ideology in Post-Hellenistic and Late Antique Persia.* Cambridge: Cambridge Press.

Stricker. B. H. (1963-64). "Varəyna, the falcon". II. *Iranica*, 7, PP 310-317.

Taşyürek. O. A. (1978). "Darstellungen des Urartischen Gottes Haldi". In: (Sencer Şahin; Elmar Schwertheim and Jörg Wagner, eds). *Studien zur Religion und Kultur kleinasiens.* Festschrift für Friedrich Karl Dörner zum 65. Geburtstag am 28. Februar 1976, Volume 2. Leiden. pp 940-955.

Tilia, Ann Britt. (1974). "Discovery of an Achaemenian Palace Near Takht-i Rustam to the North of the Terrace of Persepolis". *Iran*, Vol. 12, pp 200-204.

Wenke, Robert J. (1981). "Elymeans, Parthians, and the evolution of Empires in south-western Iran". *Journal of the American Oriental Society*, 101(3), pp 303-315.

Wiesehöfer, Josef. (1994). *Die 'Dunklen Jahrhunderte' der Persis: Untersuchungen zu Geschichte und Kultur von Fārs in frühhellenistischer Zeit (330-140 v. Chr.).* München.

Wiesehöfer, Josef. (2010). "Fratataka Rule in Early Seleucid Persis: A New Appraisal". In: (Erskine, Andrew and Jones, Lloyd Llewellyn (eds)), *Creating a Hellenistic World.* Swansea. pp 107-21.

Wiesehöfer, J. (1991). "PRTRK, RB HYL' und MR' ". In (H. Sancisi-Weerdenburg and A. Kuhrt, eds.). *Achaemenid History VI: Asia Minor and Egypt: Old Cultures in a New Empire.* Leiden, pp. 305-309.

Wikander. Stig. (1938). "Der arische Männerbund: Studien zur indo-iranischen Sprach- und Religionsgeschichte". *Lund, Iranica.*

منابع اینترنتی

<https://CoinArchives.com/kings of Persis>

<https://Fa.nody.ir>

<https://www.numisbids/oriental Greek>

www.anthropology and culture.ir

www.wildwinds.com/coins/greece/persis



English Translation of References

Books

- Alram, Michael. (1986). *Nomina propria Iranica in nummis: Iranisches Personennamenbuch*. Vienna.
- Alram, Michael; Gyselen, Rika. (2003). *Sylloge Nummorum Sasanidarum. Band I: Ardashir I - Shapur I*. Paris, Berlin, Wien.
- Arrian. (1949). *History of Alexander and Indica (Anabasis Alexanderi)*. (E. Iliff Roberson, trans.). Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Bevan, Edwyn Robert. (1902). *The house of Seleucus*. (Vol. 1). London: Edward Arnold Publication.
- Boyce, Mary; Grenet, Frantz. (1991). *A history of Zoroastrianism, Vol. 3: Zoroastrianism under Macedonian and Roman Rule*. Leiden.
- Boyce, Mary; & Grenet, Frantz. (1375/1996). *“Tārix-e kiš-e Zartošt: Jeld-e sevvom: Pas az Eskandar-e Gojasteh”* (A history of Zoroastrianism). Translated by Homayoun Sanatizadeh. Tehran: Tus. [Persian]
- Briant, Pierre. (1386/2007). *“Tārix-e emperāturi-ye Haxāmaneshiyan”* (From Cyrus to Alexander: A history of the Persian Empire). Translated by Mehdi Semsar. Tehran: Zaryāb. [Persian]
- de Morgan, J. (1923). *Manuel de Numismatique Orientale de L'Antiquite et du Moyen Age*. Paris: P. Geuthner.
- “Diodorus of Siculus”*. (1963). (C. B. Welles, trans.). In twelve vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Doustkhah, Jalil. (Report & research). (1370/1991). *“Avestā: Kohan-tarin-e sorudehā-ye Irāniyan”* (Avesta: The ancient Iranian hymns texts). Tehran: Morvārid. [Persian]
- Frye, Nelson Richard. (1388/2009). *“Tārix-e bāstāni-ye Irān”* (The history of ancient Iran). Translated Masoud Rajabnia. Edited by Manouchehr Amiri. Tehran: Elmi Farhangi. [Persian]
- Garrison, Mark B; & Cool Root, Margaret. (2001). the oriental institute of the University of Chicago. Vol 117.
- Gutschmid, Alfred. (1373/1994). *“Tārix-e Irānvamamālek-e hamjavār-e ānaz za-*



- man-e Eskandartāenqerāz-e Aškāniyān*” (Geschichte Irans und seiner nachbarlander) [History of Iran and its neighboring countries]. Translated and annotated by Keykavous Jahandari. Tehran: Mo’assese-ye Matbu’āt-e ‘Elmi.[Persian]
- Haerinck, Ernie; & Overlaet, Bruno. (2008) “Altar Shrines and fire Altars? Architectural representations on Frataraka Coinage”. Brussels: Ghent University, pp. 207-233.
- Herodotus. (1340/1961). “*Tavārix*” (The histories of Herodot) (vol. 4). Translated by Hadi Hedayati. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran).[Persian]
- Hertzfeld, Ernest Emile. (1381/2002). “*Irāndaršarq-e bāstān*” (Iran in the Ancient East). Translated by Homayoun Sanatizadeh. Kermān: Dānešgāh-e Šahid Bāhonar.[Persian]
- Hertzfeld, Ernest Emile. (1354/1975). “*Tārix-e bāstāni-ye Irān bar bonyad-e bāstānšenāsi*” *daršarq-e bāstān*” (Archaeological history of Iran). Translated by Ali Asghar Hekmat. Tehran: Anjoman-e āsār -e Melli.[Persian]
- Herzfeld, Ernst E. (1935). *Archaeological History of Iran*. London.
- Hill, George Francis. (1922). *Catalogue of the Greek coins in the British Museum: Arabia, Mesopotamia and Persia*. London.
- Hinz, Walther. (1976-1979). *Darius und die Perser. Eine Kulturgeschichte der Achaemeniden*. Berlin: Baden.
- Justi, Ferdinand. (1895). *Iranisches Namenbuch*. Marburg: NG Elwert.
- Justi, Ferdinand. (1382/2003). “*Nām-nāme-ye Irāni*” (Iranisches Namenbuch) [Iranian name book]. Tehran: Asātir.[Persian]
- Klose, Dietrich. O. A; & Müsseler, Wilhelm. (2008). *Statthalter, Rebellen, Könige. Die Münzen aus Per se polis von Alexander dem Grossen zu den Sasaniden*. München.
- Mashkour, Mohammad Javad. (1374/1995). “*Tārix-e siyāsivaejtemā’ee-ye Aškāniyān*” “*Pārtiyān*” *yāpahlavānān-e qadim*” (Political and social history of the Parthians or ancient warriors). Tehran: Donyā-ye Ketāb.[Persian]
- Mørholm, Otto. (1991). *Early Hellenistic Coinage from the Accession of Alexander to the Peace of Apamea (336-188 B.C.)*. (ed. By Ph. Grierson / U. Westermark), Cambridge.



- Newell, Edward Theodore. (1938). *The coinage of the Eastern Seleucid mints*. New York.
- Pliny. (1961). *Natural history*. Vol II. Harvard University Press. William Heinemann.
- Plutarch. (1971). *Plutarch's lives*. (Bernadotte Perrin, trans.). In eleven vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University press.
- Potts, D. T. (2004). *The archaeology of Elam, formation and transformation of an ancient Iranian state*. London: Cambridge University Press.
- Quintus Curtius. (1962). *History of Alexander*. (John C. Rolfe AND Litt. D, trans.). In two vols. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Rezaei Baghbidi, Hasan. (1388/2009). "*Tārix-e zabān-hā-ye Irāni*" (History of Iranian languages). Tehran: Markaz-e Pažyheš-hā-ye IrānivaEslāmi (Center for the Great Islamic Encyclopedia). [Persian]
- Rezakhani, KH. (2011). *Numismatic art of Persia. The sunrise collection, Part I: Ancient – 650 BC to AD 650*. (Editor and Cataloger: R. Nelson, Bradley). Classical Numismatic Group. Inc. Lancaster / London.
- Sami, Ali. (1338/1959). "*Gozāreš-hā-ye bāstānšenāsi*" (Archaeological reports) (vol. 4). Širāz: Čāp-e Musavi. [Persian]
- Sami, Ali. (1970). *Persepolis (Takht-I-Jamshid)*. (R. Sharp, trans.). Musavi printing office. Shiraz
- Sarfaraż, Ali Akbar; & Avarzamani, Fereydoun. (1391/2012). "*Sekke-hā-ye Irān: Az āqāztādwārān-e Zandiyeh*" (Iranian coins from the early beginning to Zand dynasty). Tehran: SAMT (Sāzmān-e Motāle'evaTadvin-e Kotob-e 'Olum-e Ensāni-ye Danešgāh-hā) (The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities). [Persian]
- Schmidt, Erich Friedrich. (1953). "*Taxt-e Jamšid, banā-hā, naqš-hā, nebešte-hā*" (Persepolis I: Structures, reliefs, inscriptions). Translated by Abdullah Faryar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Shahbazi, Alireza Shapour. (1390/2011). "*Jostāridarbāre-ye yeknamād-e Haxāmaneši (Fravahr, AhurāyāXvarenah?)*" (An Achaemenid symbol. I: A Farewell to 'Fravahr'; 'Ahuramazda' and 'Farnah' (God given) Fortune'). Translated by Shah-



- ram Jalilian. Tehran: Širāzeh.[Persian]
- Shahbazi, Alireza Shapour. (1391/2012). *“Jostār-hā-ye Irān-šenāsi”* (A history of Iranian historiography). Reviewed and edited by Ebrahim Mousapour. Tehran: Ketāb-e Marja.[Persian]
- Strabo. (1382/2003). *“Sarzamin-hā-ye zir-e farmān-e Haxāmenšiyān”* (The geography of Strabo). Translated by Homayoun Sanatizadeh. Tehran: Bonyād-e Moqūfāt-e MahmudAfsār-e Yazdi (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [Persian]
- Stronach, David. (1379/2000). *“Pāsārgād”* (Pasargadae: A report on the excavations conducted by the British Institute of Persian studies from 1961 to 1963). Translated by Hamid Khatib Shahidi. Tehran: Sāzmān-e Mirās-e Farhangi (Organization of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism).[Persian]
- Stronach, David. (1978). *Pasargadae: A report on the excavations conducted by the British Institute of Persian Studies from 1961-1963*. oxford.
- Shayegan, M. Rahim. (2011). *Arsacids and Sasanians: Political ideology in post-Hellenistic and late antique Persia*. Cambridge: Cambridge Press.
- Tilia, Ann Britt. (1972). *“Barresi vamarem matdarTaxt-e Jamšidvadigaramāken-e bāstāni-ye Fārs”* (Studies and restorations at Persepolis and other sites of Fars). Translated by Karamatollah Afsar. Rom: Izmeò.[Persian]
- Wiesehöfer, Josef. (1994). *Die 'DunklenJahrhunderte' der Persis: UntersuchungenzuGeschichte und Kultur von Fārs in frühhellenistischer Zeit (330–140 v. Chr.)*. München.
- Wiesehofer, Josef. (1388/2009). *“Tārix-e PārsazEskandar-e MaqdunitāMehrdvd-e Aškāniyān”* (Die dunklenjahrhunderte der Persis: Untersuchungenzugeschichte und kultur von Fars) [The dark centuries of Persis: Studies in the history and culture of Fars]. Translated by Houshang Sadeghi. Tehhnan: Farzān.[Persian]
- Xenophon. (1350/1971). *“Sirat-e Kuroš”* (Cyropaedia). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Čāpxāne-ye Bānk-e Bāzargāni-ye Irān.[Persian]

Articles

- Ackerman, Phyllis. (1916). "Standards, Banners and Badges". *Survey of Persian Art*, VI, pp. 276-282.
- Altheim, Franz; Stiehl, Ruth. (1970). "Geschichte Mittelasiens im Altertum". *Walter de Gruyter & Co Berlin*, pp. 564-583.
- Bayani, Malekzadeh. (1351/1972). "Šāhinnešāne-ye farre-ye Izadi" (Falcon as a symbol of Khvarenah). *Barresi-hā-ye Tārixī*, Farvardin (April) & Ordibehešt (May) 1351/1972, 38, pp. 11 - 46. [Persian]
- Bea, Chul-hyun. (2004). "Aramaic as a lingua franca during the Persian Empire (538-333 B.C.E)". *Journal of Universal Language*, 5(1), pp. 1-20.
- Bivar, A. D. H. & Shaked, Shaul. (1964). "The inscriptions at Shīmbār". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 27(2), pp. 265-290.
- Callieri, Pier Francesco. (1995). "Une borne routière grecque de la région de Persépolis (information), remarques additionnelles de M. Paul Bernard". In: *Comptes rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres*, 139e année (1), pp. 65-95.
- Callieri, Pier Francesco. (1998). "Proposito di un' iconografia monetale di dinasti del Fars post-achemenide". *Ocnus*, 6, pp. 25-38.
- Callieri, Pier Francesco; & Askari Chaverdi, Alireza. (2013). "Media, Khuzestan, and Fars between the end of the Achaemenids and the rise of the Sasanians". *OHAI*, pp. 690-717.
- Engels, David. (2013). "A New Frataraka Chronology". *Latomus*, 72, pp 28-82.
- Gholami, K. (2020). "A new Fratarakachronology and coinage". *Ancient Iranian Numismatics in Memory of David Sellwood*.
- Greenfield, J. C. (1390/2011). "Ārāmidarempērāturi-ye Haxāmanšī" (Aramaic in the Achaemenian Empire). Translated by Teymour Ghaderi. In "*Tārix-e Kambrijdowre-hā-ye Mādva Haxāmanēši*" (The Cambridge History of Iran) (vol. 1) (part 2). Tehran: Mahtāb. [Persian]
- Hoover, O. D. (2008). "Appendix 5: Overstruck Seleucid Coins" in: A. Haughton; C. Lorber; & O. Hoover (Eds.) *Seleucid coins. A comprehensive catalogue, Part*



- 2: Seleucus IV through Antiochus XIII.** 2 vol. New York and Lancaster: American Numismatic Society. pp. 209-230.
- Itô, Gicyô. (1976). Gathika XIV-XV. "Syenianfrataraka and Persian pratarak". *New Iranian Elements in Ancient Aramaic in Orient*, 12, pp. 47-66.
- Koch, H. (1988). "Herrscher in der Persis unter den Seleukiden und Parthern". *Die Welt des Orients*, 19, pp. 84-95.
- LEU BANK AG. (Zurich, 12 Mai 1987). "Antikemunzen; Kelten – Griechen – Literatur". pp. 85, nn. 499, tavv. 29 + 1 ingrandimenti. ril. ed. buonostato.
- Luschey, H. (1972). "Ein königliches Embelm". *AMI*, 5, pp. 257-260.
- Mann, O. (1916). "Kāveh o derafs-e Kāvīān". *Kāveh*, 1(24), pp. 3-5.
- Naster, P. (1968). "Faratakara, faratarakaoutrataclara?". *Iran*, 8, pp. 74-80.
- Nylander, C. (1983). "The standard of the Great king – a problem in the Alexander Mosaic". *Opuscula Romana*, 14/2, pp. 19-37.
- Potts, D. T. (2007). "Foundation houses, fire altars and the Faratraka and: interpreting the iconography of some post – Achaemenid Persian coins". *Iranica Antiqua*, 42, pp. 271-300.
- Rezakhani, Khodadad. (1391/2013). "Manbaʿ-šenāsi-ye sekke-hā-ye Pārsdardowre-ye Yunāni-maʿābi" (The etymology of Persian coins in Hellenistic Period). *Ketāb-e Māh-e TārixvaJoqrāfiā*, Esfand / March, 178, pp. 29 – 32.[Persian]
- Rostoftzov, M. (Tābestān1380/Summer 2001). "Siyāsat-e farāgir-e Solukiyān" (The comprehensive policy of the Seleucids). Translated by Nader Mirsaedi. *Rošd-e Āmuzeš-e Tārix*, 6, pp. 36 – 40.[Persian]
- Sarkhosh Curtis, Vesta. (2010). "The Farataraka coins of Persis: Bridging the gap between Achaemenid and Sasanian Persia". In: (John Curtis and St. John Simpson, Eds). *The World of Achaemenid Persia: History, art and society in Iran and the Ancient Near East*. London: I. B. Tauris. pp. 379-396.
- Sarre, F. (1903). "Die altorientalischen Feldzeichen, mit besonderer Berücksichtigung eine sunver-öffentlichenstücks". *Kilo*, 3, pp. 331-371.
- Sellwood, David. (1389/2010). "Dowlat-hā-ye kučak-e jonub-e Irān (Bar asās-e sekke-šenāsi)" (Introduction to the coinage of Parthia.). In *"Tārix-e Irān Kambrij, jeld-*



- e sevvom: Az Solukiyāntāforupāši-ye dowlat-e Sāsāniyān*” (The Cambridge history of Iran) (1st part). Compiled by Ehsan Yarshater. Translated by Teymour Ghaderi. Tehran: Mahtāb.[Persian]
- Sellwood, D. (2011). Parthian coins. In: (Ehsan Yarshater, (Ed.)). *The Cambridge History of Iran, Volume 3: The Seleucid, Parthian and Sasanid Periods, Part 2*, 1983, pp. 299–321.
- Shahbazi, Alireza Shapour. (Farvardin 1380/April 2001). “Wahobarz, pādešāhiazIrān-e Bāstān” (Wahbarz, a king from ancient Iran). *Majalle-ye Bāstān-šenāsivaTārix, Do-Fasl-nāme-ye ‘Olum-e Ensāni*, 13th& 14th year (1-2) (series 27).[Persian]
- Shahbazi, Alireza Shapour. (1365/1986). “Darafs” (Darfash). *InIranica*(vol. 7)(pp. 312 – 315). Retrieved from www.Iranicaonline.org/Drafš. [Persian]
- Stricker. B. H. (1963-64). “Varəyna, the falcon”. II. *Iranica*, 7, pp. 310-317.
- Taşyürek. O. A. (1978). “Darstellungen des Urartischen Gottes Haldi”. In: (Sencer Şahin; Elmar Schwertheim&Jörg Wagner, Eds). *Studienzur Religion und Kultur kleinasiens*. Festschrift für Friedrich Karl Dörner zum 65. Geburtstag am 28. Februar 1976, Volume 2. Leiden. Pp. 940-955.
- Tilia, Ann Britt. (1974). “Discovery of an Achaemenian palace near Takht-i Rustam to the north of the terrace of Persepolis”. *Iran*, Vol. 12, pp. 200-204.
- Wenke, Robert J. (1981). “Elymeans, Parthians, and the evolution of Empires in south-western Iran”. *Journal of the American Oriental Society*, 101(3), pp. 303-315.
- Wiesehöfer, Josef. (2010). “Fratarakarule in early Seleucid Persis: A new appraisal”. In: (Erskine, Andrew and Jones, & Lloyd Llewellyn (Eds)), *Creating a Hellenistic world*. Swansea. pp. 107–21.
- Wiesehöfer, J. (1991). “PRTRK, RB HYL’ und MR’”. In (H. Sancisi-Weerdenburg& A. Kuhrt, Eds.). *Achaemenid history VI: Asia Minor and Egypt: Old cultures in a new empire*. Leiden, pp. 305-309.
- Wikander. Stig. (1938). “Der arische Männerbund: Studien zur indo-iranischen Sprach- und Religionsgeschichte”. *Lund, Iranica*.



Online sources

<https://CoinArchives.com/kingsof Persis>

<https://Fa.nody.ir>

<https://www.numisbids/oriental Greek>

www.anthropology and culture.ir

www.wildwinds.com/coins/greece/persis

